

سیاست های پیشگیرانه سازمان ملل متحد در قبال نسل کشی

دکتر حمیدرضا جاویدزاده javid_5678@yahoo.com

دکترای حقوق بین الملل از دانشگاه پیام نور

تاریخ دریافت: ۸۹/۳/۱۹ تاریخ پذیرش نهایی: ۸۹/۸/۱۹

چکیده

سازمان ملل مهم ترین سازمان بین المللی است که برای مبارزه با نسل کشی سیاست جنایی خاصی دارد. پیشگیری، یکی از ابعاد مهم این سیاست است. در دهه های اخیر، سازمان رویکردهای جدیدی اتخاذ نموده و از فرهنگ پیشگیری به فرهنگ پیش بینی روی آورده است. مسئولیت برای حمایت از مردم در برابر نسل کشی، ایجاد مشاور ویژه دبیر کل در امور پیشگیری از نسل کشی و کمیته ویژه در امور پیشگیری از نسل کشی و ایجاد شورای حقوق بشر از جمله این تحولات است. کارآمدی سیاست جنایی سازمان ملل برای مبارزه با نسل کشی نیازمند اصلاحات در ساختار سازمان به ویژه شورای امنیت و انسجام با ابعاد تقنینی، قضایی و مشارکتی است.

واژه های کلیدی: نسل کشی، پیش بینی جرم، پیشگیری از جرم، سازمان ملل، سیاست جنایی،

جرایم بین المللی

حقوق بشر در کانون توجه منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر و اساس آزادی، عدالت، صلح (بندهای (۱) و (۲) اعلامیه جهانی حقوق بشر و مقدمه منشور) و بسیاری از متون حقوقی بوده (Christopher McCrudden, 2008, p656) و برخی از قواعد آن امره تلقی می شود. تعریف و تضمین اجرای این قواعد مهم ترین دغدغه جامعه بین المللی است (آمپارو، سان خوزه جیل، ۱۳۷۹، ۲۵۹). نقض حق حیات انسان نقض ارزش بنیادین بین المللی است. اصول مندرج در کنوانسیون پیشگیری و مجازات نسل کشی قواعد شناخته شده ملل متمدن است که دولت ها را حتی بدون تعهد قراردادی به یکدیگر پیوند می دهد (بیگ زاده، ۱۳۷۸، ۶۱-۵۹). علت وجودی سازمان ملل حفظ صلح و امنیت بین المللی است (بند (۱) ماده ۱ و دیگر مقررات فصل ۷ منشور سازمان ملل) و چالش های کنونی آن متفاوت با چالش هایی است که در آغازین سال های تأسیس خود با آن رو به رو بوده^۱ و سلب حق حیات گروه های انسانی نمونه ای از این چالش هایی است که در حقوق بین الملل از آن به عنوان نسل کشی و جرم الجرائم یاد می شود و یکی از مهم ترین جنایات بین المللی که همواره، در طول تاریخ رخ داده (مقدمه «کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایت نسل کشی» مصوب ۹ دسامبر ۱۹۴۸) و صلح و امنیت جهان را تهدید کرده است (بندهای ۳ و ۴ مقدمه اساسنامه دیوان کیفری بین المللی مصوب ۱۷ ژوئیه ۱۹۹۸). جامعه بین المللی به این جنایت واکنش نشان داده (اردیلی، ۱۳۷۱، ۲۲۹-۲۲۸) و ممنوعیت آن قاعده امره حقوق بین الملل است.^۲ سازمان ملل به عنوان مهم ترین سازمان بین المللی، سیاست هایی در این مورد اعمال نموده اما نتوانسته به وعده جلوگیری از آن عمل کند. فاجعه بالکان در اواخر قرن بیستم^۳، طرح اتهام نسل کشی علیه مقامات سودان در دیوان کیفری بین

1. "the responsibility to protect", Report of the International Commission on Intervention and Sovereignty, available on http://www.idrc.ca/en/ev-9439-201-1-DO_TOPIC.html, visited at 2009-03-31, paras. 1.10-1.12

2. Case Concerning Application of the Genocide Convention, (Bosnia and Herzegovina) v Yugoslavia (Serbia and Montenegro), ICJ Reports and Judgment (13/9/1993) 325, 440 (Separate opinion of Ad hoc Judge Lauterpacht); Prosecutor v Kayishema and Ruzindana, (Case No. ICTR-95-1-T), Trial Chamber, Judgment, (21/5/1999), para 88

3. Report of the International Law Commission on the work of its forty-eighth session, Draft Code of Crimes against the Peace and Security of Mankind with commentaries, Yearbook of the International Law Commission, 1996, vol. II, Part Two, p. 28.

المللی^۱ و ادعای متقابل گرجستان و روسیه مبنی ارتکاب نسل کشی در ارتباط با مناطق جدایی طلب "استیای جنوبی" و "آبخازیا" که منجر به طرح دعوی در دیوان بین المللی دادگستری شده (گروه پژوهش موسسه حقوق بین الملل پارس، ۱۳۸۷، ۱۶۴)، همه گویای آن است.

قرن ۲۰ قرن نسل کشی است که با نابودی مردم آفریقای جنوب غربی آغاز شده و با نسل کشی رواندا پایان یافته است.^۲ نسل کشی ارامنه در سال های ۱۹۱۶-۱۹۱۵ (اردیلی، ۱۳۷۱، ۲۲۲-۲۲۱)، مردم اوکراین در سال های ۱۹۳۳-۱۹۳۲، (David Marcus, 2003, 243-252) یهودیان در جنگ جهانی دوم نمونه های بارز این جنایت است. به رغم پذیرش مسولیت نسل کشی یهودیان توسط آلمان و موضع صریح سازمان ملل هنوز در این مورد تردید هست.^۳ تعقیب مرتکبان نسل کشی یهودیان در چارچوب محاکمات نورنبرگ به سیستم جدیدی از دادگاه های بین المللی

1. Milanovic, Marko, "ICC Prosecutor charges the President of Sudan with genocide, crimes against humanity and war crimes in Darfur", ASIL Insights, 28 July, 2008, Volume 12, Issue 15, available on

<http://www.asil.org/insights/2008/07/insights080728.html>, visited at 2009-12-20; Saira Mohamed, The ICC Appeals Chamber Decision on the Warrant of Arrest in Prosecutor v. Bashir, February 17, 2010, ASIL Insight, Volume 14, Issue 4, available at <http://www.asil.org/insights/>, visited at 2010-02-22.

2. Rwanda: The Preventable Genocide; International panel of eminent personalities, *ibid.*, paras.1/3 and 1/13; Jeremy Sarkin & Carly Fowler, Reparations for Historical Human Rights Violations: the International and Historical Dimensions of the Alien Torts Claims Act Genocide Case of the Herero of Namibia, *Human Rights Review*, n. 9, 2008, pp. 331-333

3. Address by Mueller, Kerstin, the Minister of State at the Federal Foreign Office of the Republic of Germany, in The Stockholm International Forum: Preventing Genocide, 26 January 2004, available at:

<http://www.dccam.org/Projects/Affinity/SIF/DATA/2004/page1497.html>, visited at: 25/03/09A/RES/60/7, 2005; William F.S. Miles, "IS HOLOCAUST DENIAL SPREADING?", paper delivered at a seminar of the Montreal Institute of Genocide Studies and Human Rights at Concordia University, January 19, 2007, available at <http://www.instituteforthestudyofgenocide.org/newsletters/isg38/MilesISGNews38.htm> visited at 27/02/09.;

«بنیامین ویتکار» در گزارشی که در سال ۱۹۸۵ برای کمیسیون فرعی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در ارتباط با نسل کشی تهیه کرده بود از اقدام آلمان نازی در کشتار یهودیان و نیز قوم هرورو به طور صریح به عنوان نسل کشی یاد کرده است.

See UN Whitaker Report on Genocide, 1985, para. 24 and footers of this para. available at

<http://www.preventgenocide.org/prevent/UNdocs/whitaker/section5.htm>, last visited 2009-05-08.

اختصاصی، دادگاه های مختلط و دیوان کیفری بین المللی منجر و اقداماتی برای تدوین مقررات بین المللی انجام شد.^۱ در ارتباط با نسل کشی سال های ۱۹۷۹-۱۹۷۵ کامبوج نیز که تلفات زیادی در بر داشته (رابرتسون، جفری، ۱۳۸۳، ۸۸-۸۷) سازمان ملل توافقنامه ای را برای تشکیل دادگاهی جهت رسیدگی به این موضوع با دولت کامبوج امضا و سال ۲۰۰۷ این دادگاه کار خود را آغاز کرد.^۲ نسل کشی یوگسلاوی و رواندا^۳ نیز از نمونه های بارز و دهشتناک پس از جنگ جهانی دوّم است.^۴ ژانویه ۲۰۰۵ شورای امنیت به دنبال گزارش کمیسیون بین المللی تحقیق در ارتباط با درگیری منطقه دارفور سودان مبنی بر وقوع جرائم بین المللی^۵ این وضعیت را به دیوان کیفری بین المللی ارجاع داد.^۶ دادستان دیوان پس از بررسی از دیوان خواست برخی مقامات و فرماندهان از

1. Philippe Kirsch, "Applying the principles of Nuremberg in the international criminal law court" in Washington University Global Studies Law, vol. 6, 2007, pp. 501-502; Economic and Social Council Commission on Human Rights, Sub-Commission on Prevention of Discrimination and Protection of Minorities, Thirty-eighth session, op.cit., para. 25.

2. A/Res/57/228/B ; Report of the Group of Experts for Cambodia established pursuant to General Assembly resolution 52/135.

3. Patricia M. Wald, "The International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia Comes of Age: Some Observations on Day-To-Day Dilemmas of an International Court", in Journal of Law & Policy, vol.5, 2001, pp. 87 and 89; Paul J. Magnarlla, "The Background and Causes of the Genocide in Rwanda", *Journal of International Criminal Justice*, No.3, 2005, p. 801.

4. Eric Lerhe, "The Role of Nationalism in the Rwandan Genocide of 1994", in Susan M. Thomson and J. Zoë Wilson, "Rwanda and the Great Lakes Region: Ten Years On From Genocide ", *International Insights, A Dalhousie Journal of International Affairs*, Published by the International Insights Society at Dalhousie University, 2005, p.50.

5. Int'l Comm'n of Inquiry on Darfur, Report of the Commission of Inquiry to the Secretary- General, 627, 640, delivered to the Secretary-General on the Question of Darfur, U.N. Doc. S/2005/60 (Jan. 25, 2005). The Commission's Report is available at http://www.un.org/News/dh/sudan/com_inq_darfur.pdf; IMPLEMENTATION OF General Assembly Resolution 60/251 of 15 march 2006 entitled "human rights Council" 80, 7 March 2007, p.20, paras.58; A/HRC/4/ , Law in Darfur", February 2000, Fredric L. Kirgis, Report on Violations of International Humanitarian available on <http://www.asil.org/insights/2005/02/insight050204.html>, visited at 2009-03-14.

6. S.C. Res. 1593, U.N. Doc. S/RES/1593 (Mar. 31, 2005); Implementation of General Assembly Resolution 60/251 of 15 march 2006 entitled "human rights Council" ,ibid., p.2, paras. 1 and 2.

جمله رئیس جمهور سودان را به اتهام جرائم بین المللی به ویژه نسل کشی بازداشت کند.^۱ مبارزه با نسل کشی مستلزم شناخت علل آن یعنی تنفر نسبت به برخی گروه های انسانی، تبعیض، فقدان حاکمیت قانون، بی کیفی، نابردباری تنوع قومی، نژادی، فرهنگی و مذهبی است. در پرتو مطالعات جرم شناختی به ویژه توسعه دموکراسی، حاکمیت قانون و حمایت از حقوق و آزادی های اساسی می توان به طور سنجیده از پدیده نسل کشی پیشگیری کرد.^۲ در ادبیات حقوقی، مفهوم جامعی از سیاست جنایی ارائه نشده و این واژه از نظر محتوا دچار تحول شده است. سیاست جنایی اشکال مختلف مبارزه با جرم (گسن، ریموند، ۱۳۷۰، ۶۰۵-۶۰۳) و در واقع، بررسی معرفت شناختی پدیده مجرمانه است (نجفی ایرند آبادی، ۱۳۷۹-۱۳۷۸، ۵). سیاست جنایی در معنای مضیق روش های سرکوبگرانه ای است که دولت با استفاده از آن به جرم واکنش نشان می دهد و در معنای موسع، شیوه هایی است که دولت و جامعه مدنی از طریق آنها به پدیده مجرمانه پاسخ می دهد (همان) و شامل اقدامات سرکوبگرانه و پیشگیرانه ای است که دولت و جامعه به طور مستقل یا با مشارکت سازمان یافته یکدیگر، از آن ها به منظور سرکوب بزهکاری و بزهکاران و نیز پیشگیری از وقوع جرم استفاده می کنند (نجفی ایرند آبادی، ۱۳۷۵، ۲۹۲-۲۹۱). سازمان ملل به لحاظ اهداف و ماموریت ها، مهم ترین سازمان بین المللی و مرکز هماهنگی اقدامات کشورهای عضو برای مبارزه با نقض قواعد حقوق بشر به ویژه قواعد آمره است که به شکل های مختلف در قبال سلب حق حیات گروه های انسانی یا نسل کشی واکنش نشان داده است. نقض ارزش ها و

1. MAI-LINH K. HONG, A Genocide by Any Other Name: Language, Law, and the Response to Darfur, *Virginia Journal of International Law*, Vol. 49:1, 2008, p. 236; Kevin Jon Heller, "The Situation in Darfur: Prosecutor's Application under Article 58(7) of the Rome Statute", 16 March, 2007, Volume 11, Issue 7, available on <http://www.org.asil/insights>.

(زمانی، ۱۳۸۷، ۴۷-۱۳)

2. Andrew Woolford, Making Genocide Unthinkable: Three Guidelines for a critical criminology of genocide, *Critical Criminology*, (2006), N. 14, p. 97 and 103; Address by Boniver, Margherita, the Deputy-Minister for Foreign Affairs of Italy, in The Stockholm International Forum: Preventing Genocide, 26 Jan04, Downloaded from <http://www.dccam.org/Projects/Affinity/SIF/DATA/2004/page1497.html>, visited at 2009-03-25; François Bugingo, Rwanda: Chronique d'un genocide prévisoire, *Revue De Droit De McGill*, Vol. 46, (2000-2001), P.182; Jeremy Sarkin & Carly Fowler, Reparations for Historical Human Rights Violations: The International and Historical Dimensions of the Alien Torts Claims Act Genocide Case of the Herero of Namibia, *Human Rights Review*, n.9, 2008, p.333.

پدیده جرم مانند نسل کشی همواره در جامعه بین المللی وجود دارد (میر محمد صادقی، ۱۳۸۱، ۱۰۲) و سازمان ملل برای مبارزه با آن سیاست جنایی خاصی دارد و با به کارگیری همه قابلیت ها از وقوع آن جلوگیری می کند (بند (۵) مقدمه اساسنامه دیوان کیفری بین المللی و ماده (۱) کنوانسیون پیشگیری و مجازات نسل کشی). با توجه به سودمندی پیشگیری برای جامعه بین المللی (وکیل، ۱۳۸۳، ۲۳۱) بخشی از محتوای سیاست جنایی سازمان ملل به پیشگیری از نسل کشی و ساز و کارهای آن مربوط است. رهیافت پیشگیری از نسل کشی یکی از ابعاد مهم سیاست جنایی سازمان ملل است که با توجه به اهداف و مأموریت های آن از جمله حفظ صلح و امنیت بین المللی و ترویج حقوق بشر و با تاکید بر کنوانسیون نسل کشی تبیین خواهد شود.

مبحث اول: پیشگیری از نسل کشی در پرتو اهداف سازمان ملل

یکی از فعالیت های سازمان ملل در قلمرو سیاست جنایی، مبارزه با جرم و پیشگیری از آن است که تحت عنوان «برنامه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری» انجام می شود. اما تحت این عنوان مسائل کیفری بین المللی چندان در کانون توجه آن سازمان نبوده و تنها در دهه های اخیر با توجه به تحولات بین المللی، برخی فعالیت های آن سازمان به سمت توجه به پدیده های مجرمانه بین المللی مخصوصاً نسل کشی تغییر رویکرد داشته است. در این بین، مباحث مطرح در دهمین کنگره پنج سالانه سازمان ملل راجع به پیشگیری از جرم و عدالت کیفری^۱ و تصمیمات متخذه در این زمینه از حیث توجه خاص به مساله پیشگیری از جرائم بین المللی و از جمله نسل کشی قابل توجه است. آوریل ۲۰۰۰، دهمین کنگره پنج سالانه با عنوان چالش های قرن ۲۱ در وین تشکیل شد در این کنگره، دولت ها از تاثیر جرائم شدید بین المللی بر جوامع ابراز نگرانی و اعتقاد خود را برای همکاری بین المللی، منطقه ای و دو جانبه در پیشگیری از جرم و عدالت کیفری اعلام و اهداف سازمان ملل را در زمینه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری به ویژه رعایت حقوق بشر و آزادی های سیاسی و بهبود بالاترین معیارهای عدالت تأیید و تعهد نمودند مساله پیشگیری از جرم را در راهبرد توسعه ملی و بین المللی خود بگنجانند و همکاری خود را در این مورد تقویت

1. "Vienna Declaration on Crime and Justice: Meeting the Challenges of the Twenty-first Century", A/CONF.187/4/Rev.3.

کنگره پنج سالانه، بزرگترین همایش بین المللی است که در آن نمایندگان دولتها، سازمان های دولتی و غیر دولتی، نهادهای تخصصی سازمان ملل و نیز کارشناسان مسائل مختلف عدالت کیفری گرد هم می آیند. آوریل ۲۰۱۰، دوازدهمین کنگره پیشگیری از جرم و عدالت کیفری در برزیل با عنوان «راهبردهای جامع برای چالش های جهانی: پیشگیری از جرم و نظام های عدالت کیفری و توسعه آن ها در جهان در حال تحول» برگزار شد.

کنند (Ibid., paras.1-8) در این کنگره، با حمایت از سازمان ملل و برنامه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری آن تاکید شد که اقدام موثر برای پیشگیری از جرم و عدالت کیفری به مداخله دولت ها، نهادهای ملی، منطقه ای، بین منطقه ای و بین المللی و مشارکت سازمان های بین المللی، بخش های خصوصی و نیز پذیرش نقش آن ها در پیشگیری از جرم و عدالت کیفری نیاز دارد (Ibid., paras. 9 and 13) و با توجه به تداوم تبعیض نژادی، بیگانه هراسی و اشکال نابردباری، انجام اقداماتی برای اتخاذ تدابیر در استراتژی ها و قواعد پیشگیری از جرم بین المللی به منظور پیشگیری از جرایم مرتبط با نژاد پرستی، تبعیض نژادی، بیگانه هراسی و اشکال نابردباری اهمیت اساسی دارد. دولت ها عزم خود را برای سرکوب خشونت های ناشی از نابردباری مبتنی بر قوم گرایی تأیید و قبول کردند که به دلیل نقش اساسی قواعد سازمان ملل در پیشگیری از جرم و عدالت کیفری در برخورد موثر با جرم، قواعد سازمان ملل در زمینه پیشگیری از جرم و عدالت کیفری را در قوانین و رویه های ملی اعمال کنند (Ibid., Paras. 20-23) در این کنگره به تبعیض، نابردباری و اقدامات خشونت آمیز مبتنی بر قوم گرایی به عنوان برخی علل و عوامل نسل کشی تصریح و اشاره شده که لازم است تدابیری اتخاذ شود تا جرائم بین المللی رخ ندهد. دولت ها و سازمان ملل در تاسیس دیوان کیفری بین المللی نیز، عزم خود را برای پایان دادن به مصوئیت مرتکبان جنایات بین المللی از جمله نسل کشی و مشارکت در پیشگیری از وقوع این جرائم اعلام نمودند (بند ۶ مقدماتی اساسنامه دیوان کیفری بین المللی) سیاست پیشگیرانه سازمان ملل در قبال نسل کشی در بستر مقررات منشور (بند اول) و کنوانسیون نسل کشی (بند دوم) صورت می گیرد.

گفتار اول: پیشگیری از نسل کشی در بستر منشور ملل متحد

در منشور به طور صریح از پیشگیری سخنی به میان نیامده است. اما بین نسل کشی و سازمان ملل ارتباط هست. از یک سو، در مقدمه کنوانسیون نسل کشی، نسل کشی مغایر اهداف ملل متحد و رهایی از این بلای خانمان سوز نیازمند همکاری بین المللی شناخته شده (مقدمه کنوانسیون پیشگیری و مجازات نسل کشی) از سوی دیگر، به موجب ماده (۸) کنوانسیون نسل کشی، دولت های عضو می توانند از ارکان صلاحیت دار سازمان بخواهند طبق منشور، اقدامات مقتضی برای پیشگیری و مجازات نسل کشی را به عمل آورد (Schabas, William A, 2009, 533-540). بر این اساس، سازمان ملل برای پیشگیری و مجازات نسل کشی تعهد دارد. بنابراین، مبارزه با نسل کشی و پیشگیری از آن یکی از اشتغالات سازمان است. از بین اهداف مقرر در منشور دو

هدف حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و ترویج حقوق بشر ارتباط مستقیم با پیشگیری از نسل‌کشی دارد.

بنداول: پیشگیری از نسل‌کشی در چارچوب صلح و امنیت بین‌المللی

هدف اساسی منشور، تضمین صلح و امنیت جهانی است.^۱ در نتیجه، هر گاه اختلاف میان دولت‌ها صلح را تهدید کند سازمان و خامت اوضاع را کاهش خواهد داد و در هر اختلافی که ایجاد می‌شود، حتی اگر فوری و جدی نباشد و ممکن است به رویارویی منتهی شود، دخالت می‌کند. بنابراین، حوزه عمل سازمان ملل وسیع (کاسسه، آنتونیو، ۱۳۷۰، ۳۹-۳۸) و شامل مبارزه با نسل‌کشی و در راستای پیشگیری از وقوع آن نیز است. در این چارچوب سیاست پیشگیرانه سازمان در قبال نسل‌کشی در قالب مبارزه با تهدیدات علیه صلح، اقدامات ناقص صلح و تثبیت صلح و امنیت بین‌المللی است. پرسش اساسی این است که ساز و کارهای جلوگیری یا رفع تهدیدات علیه صلح، متوقف ساختن اقدام ناقص صلح یا وضعیت‌هایی که ممکن است منجر به نقض صلح شود کدامند؟

الف) صلح و امنیت بین‌المللی

صلح و امنیت بین‌المللی در منشور و اسناد بین‌المللی تعریف نشده اما مفهوم آن در تصمیمات و رویه‌های سازمان شکل گرفته و در برخی مصادیق عینیته یافته است. صلح در مفهوم مضیق به معنای نبود جنگ است. نبود جنگ بین دولت‌ها تضمین‌کننده صلح و امنیت بین‌المللی نیست. در مفهوم موسّع، بررسی دلایل بروز درگیری‌ها و مجموعه عملیاتی برای حذف خشونت ساختاری است (وکیل، ۱۳۸۳، ۱۱۱-۱۱۸ و توحیدی، ۶۴-۵۷) در حقوق بین‌الملل اصالت صلح در مفهوم موسّع پذیرفته شده است (برزنونی، ۱۳۸۴، ۸۱-۸۲ و ۱۵۷-۱۳۳). صلح حوزه‌های مختلفی از امنیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی را در بعد ملی و بین‌المللی در بر می‌گیرد (وکیل، ۱۳۸۳، ۱۳۴-۱۳۱). از نظر سازمان ملل، نسل‌کشی تهدیدی علیه صلح و امنیت جهانی است (بند ۳ مقدماتی اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی) و مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی

۱. انزجار از جنگ مهمترین عامل تشکیل سازمان‌های بین‌المللی بوده و متفکرینی که سازمان‌های بین‌المللی را نشانگر راه حرکت به سوی صلح می‌دانستند رویکرد صلح را اتخاذ کردند. بنابراین، سازمان ملل مبتنی بر صلح است. ر.ک: توحیدی، ۱۳۸۰، صص ۵۸-۵۷.

توسعه یافته است. فراتر از این، عدم ثبات در زمینه های اقتصادی، اجتماعی، انسانی و زیست محیطی تهدید علیه صلح و امنیت بین المللی به شمار می آید. سازمان ملل از طریق ارکان ذی ربط خود بیشترین اولویت را به این مساله می دهد (بهارک کشاورز، ۱۳۸۰، ۵۸-۵۷). ساز و کارهای سازمان ملل در حفظ صلح و امنیت بین المللی معطوف به پیشگیری از نسل کشی است. در این جا، این موضوع متناسب با ماموریت های شورای امنیت، مجمع عمومی و دبیرکل بررسی شود.

ب) ساز و کارهای حفظ صلح و امنیت بین المللی

۱- شورای امنیت: شورا مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین المللی را طبق مقاصد و اصول ملل بر عهده دارد و مهم ترین رکنی است که از طرف ملل متحد ایفای نقش می کند و اعضا موافقت کرده اند که تصمیمات آن را طبق مقررات منشور قبول و اجرا کنند (مواد ۲۵ و ۴۹ منشور ملل متحد). ساز و کار اقدامات شورا مختلف بوده و جنبه سیاسی و پیشگیرانه دارد. برخی وضعیت ها و اختلافات، ممکن است صلح و امنیت بین المللی را به خطر اندازد و زمینه ای برای وقوع نسل کشی باشد. بنابراین، بخش عمده ماموریت شورا توجه به این گونه وضعیتها و انجام اقدامات پیشگیرانه برای حل و فصل آن هاست. شورا موارد نسل کشی را حسب مورد مصداقی از تهدید یا نقض صلح و امنیت بین المللی تلقی نموده و بنابراین، اقدام آن در ارتباط با صلح و امنیت بین المللی در حقیقت پیشگیری از نسل کشی است. اقدام پیشگیرانه در مراحل مختلفی صورت می گیرد. گاهی هنوز صلح و امنیت بین المللی تهدید و نقض نشده اما اختلافی وجود دارد یا وضعیت به گونه ای است که احتمال دارد به تهدید و یا نقض صلح و امنیت بین المللی منجر شود. طرفین هر اختلاف یا وضعیتی که ممکن است صلح و امنیت بین المللی را به خطر اندازد، باید قبل از هر چیز راه حل آن را جست و جو، قضیه را حل و فصل و گرنه، آن را به شورا ارجاع کنند (بند ۱ ماده ۳۶ و بند ۱ ماده ۳۷ منشور ملل متحد). بر اساس بند ۲ ماده ۳۳ منشور، شورا در صورت اقتضا، از طرفین خواهد خواست که اختلافات خود را با شیوه های مربوط حل و فصل نمایند و در صورت لزوم، روش ها یا ترتیبات حل و فصل مناسب را توصیه خواهد نمود. شورا می تواند با هدف تعیین این که آیا ادامه اختلاف یا وضعیتی ممکن است حفظ صلح و امنیت بین المللی را به خطر اندازد یا خیر، این گونه اختلاف یا وضعیت را بررسی کند. توجه شورا از هر طریقی ممکن است به این گونه اختلاف یا وضعیت جلب شود (مواد ۳۹ تا ۴۲ منشور ملل متحد). بنابراین، شورا در موارد نسل کشی یا در مواردی که ممکن است به نسل کشی منجر شود مداخله نموده و با

هدف حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و با از بین بردن فرصت درگیری، مانع از وقوع نسل‌کشی می‌شود. شورا موارد تهدید یا نقض صلح و امنیت را بر اساس مقررات فصل ۷ منشور و با رعایت محدودیت‌های ناشی از مقررات منشور و حقوق بشر دوستانه بین‌المللی و بسیاری از قواعد آمره حقوق بین‌الملل احراز و تصمیمات مقتضی اتخاذ و اجرا می‌کند (الکساندر ارکلش ویلی، ۱۳۸۴، ۵۵-۹۸). اما سازمان ملل به ویژه شورای امنیت نتوانسته از همه ظرفیت‌های منشور در ارتباط با مقوله صلح و امنیت بین‌المللی استفاده و ترتیبات مقرر را کامل اجرا کند^۱. نبود هنجارهای لازم در این زمینه باعث شده که شورا همواره بر اساس صلاحدید، دوگانه و تبعیض‌آمیز عمل کند (پل تاورنیه (ترجمه بیگ زاده)، از پاییز ۷۴ تا بهار ۷۵، ص ۴۹) اعضای دائم شورا با داشتن حق وتو همواره مصالح و منافع خود را مد نظر قرار داده اند (Samantha Power, 426-428). بر اساس گزارش هیات شخصیت‌های برجسته بین‌المللی که از طرف سازمان وحدت آفریقا ماموریت یافته بود در مورد نسل‌کشی رواندا بررسی کند، جامعه بین‌المللی از جریان اتفاقات رواندا آگاه بوده اما هیچ اقدامی نکرد^۲. دولت‌های تاثیرگذار و عضو دائم شورای امنیت به ویژه دولت‌های آمریکا، فرانسه (همان منبع، بندهای ۹/۴-۹/۳ و ۹/۱۳-۹/۱۲) و انگلیس از واقعیت‌های رواندا و رویدادهای حاکم بر آن آگاه بوده اند (همان منبع، بندهای ۹/۴-۹/۳ و ۹/۱۳-۹/۱۲). و به طور کلی، پیش از آغاز نسل‌کشی موارد متعدد هشدار دهنده در مورد نسل‌کشی وجود داشته است و برخی سازمان‌های حقوق بشری در این مورد هشدار داده و وقوع نسل‌کشی را پیش‌بینی کرده بودند (همان منبع، بندهای ۹/۶-۹/۵ و ۹/۱۳). اما منافع برخی دولت‌های عضو دائم شورای امنیت و فقدان اراده سیاسی در این زمینه و حتی تحلیل نادرست شورای امنیت (همان منبع، بندهای ۱۰/۱۶-۱۰/۱ و ۱۵/۴۱-۱۵/۲۶) و برخی اعضای دائم آن شورا سبب وقوع نسل‌کشی شد (Samantha Power, op. cit., pp. 429-427). فاجعه‌آمیزتر این که جامعه بین‌المللی پس از شروع نسل‌کشی و با این که معلوم بود که این فاجعه هنوز جریان دارد، کوتاهی کرد (همان منبع، بند ۹/۱۶). بر اساس مقررات فصل ۸ منشور، اعضای ملل متحد می‌توانند برای

۱. از جمله این موارد، تشکیل نشدن ستاد نظامی در اختیار شورای امنیت و ترتیبات مقرر در این زمینه است که می‌توان تاثیر آن را در چگونگی اقدام نیروهای بلژیک در جریان نسل‌کشی رواندا و یا نقش منفعل نیروهای سازمان ملل در دارفور سودان و ضعف عملکرد نیروهای اتحادیه آفریقا در این کشور نام برد.
۲. همان منبع، بندهای ۹/۱۶ و ۱۲/۵۱-۱۲/۲؛ فرانسه به نقش خود در این نسل‌کشی اعتراف و اعلام کرده که در نسل‌کشی رواندا مرتکب اشتباه شده و می‌خواهد مسئولان این اقدام را تعقیب کند. ر.ک.: روزنامه ایران، سال ۱۳۸۸، ۱۸ اسفند، ص ۶.

انجام امور مربوط به حفظ صلح و امنیت بین المللی که متناسب برای اقدامات منطقه ای باشد در چارچوب اهداف و اصول ملل متحد ترتیبات منطقه ای منعقد یا نهادهای منطقه ای تأسیس و قبل از مراجعه به شورا، اختلافات منطقه ای را با این ترتیبات و نهادهای و به صورت مسالمت آمیز حل و فصل کنند. شورا توسعه حل و فصل مسالمت آمیز منطقه ای را از طریق این گونه نهادهای و ترتیبات منطقه ای به ابتکار کشورهای ذی نفع و یا با ارجاع از طرف خود تشویق و در موارد مقتضی از چنین ترتیبات یا نهادهای منطقه ای برای عملیات اجرایی استفاده خواهد کرد ولی، هیچ گونه عملیات اجرایی به موجب این ترتیبات یا نهادهای منطقه ای بدون اجازه شورا صورت نخواهد گرفت. این گونه فعالیت ها باید به طور کامل به اطلاع شورا برسد (ماده ۵۲، ۵۳ و ۵۴ منشور ملل متحد).

مداخله سازمان وحدت آفریقا در قضیه رواندا^۱ و دارفور سودان یا ورود ناتو در کوزوو این واقعیت را مبرهن کرده که شورا در ایفای وظیفه خود کوتاهی نموده است. در قضیه کوزوو با این که شورا فاجعه انسانی را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین المللی تشخیص داد اما نتوانست تصمیم مناسبی اتخاذ کند و اقدام مقتضی را در این زمینه به عمل آورد. بنابراین، ناتو وارد و به زور متوسل شد و این ناکارآمدی شورا را نشان می دهد. با این که برخی برای توجیه اقدامات ناتو در یوگسلاوی با استناد به کنوانسیون نسل کشی استدلال می کنند که دولت ها به موجب این کنوانسیون موظف اند اقدامات لازم را جهت جلوگیری از نسل کشی به عمل آورند و بنابراین، اقدامات ناتو برای جلوگیری از نسل کشی لازم بوده و با حقوق بین الملل و اصل منع توسل به زور مغایرتی نداشته است اما به هر حال، این نحوه اقدام سازمان ها و ترتیبات منطقه ای با مقررات منشور سازگاری ندارد و باید اصول و ضوابط اجرایی دقیق آن به ویژه در موارد حاد فاجعه انسانی که مساله صلح و امنیت بین المللی در میان است، تعیین گردد (ممتاز و نجفی اسفاد، ۱۳۷۹، صص ۱۳۶-۱۳۵، ۱۳۹ و ۱۵۱-۱۴۸؛ مقتدر، ۱۳۷۸، صص ۲۳۹-۲۳۷). اگر ساز و کار اجرایی این ترتیبات به درستی تبیین شود نارسایی های موجود در ایفای وظیفه از طرف شورا رفع خواهد شد و این ماموریت مهم بیشتر با اجماع بین المللی و از طرف سازمان صورت خواهد گرفت و اقدامات انجام شده مشروعیت بیشتری خواهد داشت (ممتاز، ۱۳۷۸، صص ۲۲۸-۲۱۵). اصولاً، این مساله با ساختار سازمان و به ویژه شورای امنیت گره خورده است. اگر چه نهادهای دیگر سازمان در این

۱. در مورد نقش سازمان وحدت آفریقا در جریان نسل کشی رواندا مراجعه شود به:

"Rwanda: The Preventable Genocide; International panel of eminent personalities", paras. 15/86-159

مساله نقش مهمی دارند اما نظر به این که مسوولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین المللی به شورا سپرده شده و ارکان دیگر نقش فرعی ایفا می کنند لذا به نظر می رسد انجام این ماموریت اساسی با ساختار و ترکیب شورا سازگاری ندارد و نیازمند تغییر جدی در ساختار، ترکیب، نوع ماموریت و روش های اجرایی شورای امنیت و دیگر ارکان سازمان است.

۲- مجمع عمومی: مجمع عمومی سازمان ملل برای پیشبرد هدف حفظ صلح و امنیت بین المللی از جمله پیشگیری از نسل کشی نقش مهمی دارد و می تواند هر مساله یا امری را که در حدود منشور یا مربوط به اختیارات و وظایف هریک از ارکان مقرر در منشور باشد مورد بحث قرار دهد و جز در مورد مذکور در ماده ۱۲ منشور به اعضای سازمان یا به شورا یا به هر دو دربارہ هر یک از این مسائل و امور توصیه و اصول کلی همکاری برای حفظ صلح و امنیت بین المللی را بررسی و به اعضا و یا به شورا و یا به هر دو توصیه کند و هر مساله مربوط به حفظ صلح و امنیت بین المللی را که توسط هر یک از اعضا یا شورا یا بر طبق بند ۲ ماده ۳۵ منشور بدان ارجاع شده، مورد بحث قرار دهد و با در مورد چنین مسائلی به دولت یا دولت های مربوط، شورا یا به هر دو توصیه هایی بنماید (ماده ۱۱ منشور ملل متحد) و توجه شورا را به وضعیت هایی که ممکن است صلح و امنیت بین المللی را به مخاطره اندازد، جلب (ماده ۱۱ منشور ملل متحد) و برای حلّ و فصل مسالمت آمیز وضعیت های محلّ روابط دوستانه بین الملل از جمله وضعیت های ناقض اهداف و اصول ملل متحد توصیه هایی بنماید. "قطعنامه اتحاد برای صلح" نیز نشست فوق العاده اضطراری مجمع را تجویز کرده که به موجب آن هر گاه شورا به علت عدم توافق پنج عضو دائم آن در اجرای مسوولیت حفظ صلح و امنیت بین المللی و مقابله با تهدید علیه صلح یا نقض صلح و تجاوز، موفق به جلوگیری از این اقدامات نگردد مجمع عمومی به منظور ارائه توصیه های لازم برای اعضا جهت اقدام دسته جمعی، مساله را فوراً بررسی می کند (تقی زاده انصاری، ۱۳۸۰، صص ۱۹۳-۱۹۲؛ ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۷، ص ۲۴۳). در برخی موارد سازمان ملل از این ساز و کار غفلت نموده است.^۱ ایجاد مراجع قضایی توسط سازمان ملل برای تعقیب و مجازات مرتکبان جرائم بین المللی از جمله نسل کشی، نقش مهمی در پیشگیری از نسل کشی دارد. علاوه بر دادگاه های اختصاصی کیفری بین المللی که توسط شورای امنیت و در اجرای مقررات منشور تاسیس

۱. در بحران کوزوو هیچ یک از کشورهای جهان سوّم و کشورهای عضو جنبش عدم تعهد موضوع را در قالب «قطعنامه اتحاد برای صلح» در مجمع عمومی سازمان ملل مطرح نکردند. ر.ک.: ممتاز و نجفی اسفاد، پیشین، ص ۱۵۰.

شده، مجمع عمومی نیز با همکاری دولت ها دادگاه های مختلط تاسیس نموده که دادگاه ویژه کامبوج نمونه های بارز آن است.

۳- دبیرخانه سازمان ملل: دبیرخانه در ارتباط با صلح و امنیت بین المللی نقش مهمی دارد. مهم ترین ماموریت دبیرکل جلب نظر شورای امنیت به موضوعی است که ممکن است صلح و امنیت بین المللی را تهدید کند (در مورد نقش دبیرکل در مورد پیشگیری از درگیری های مسلحانه رک: (U.N. DOC. S/RES/1366/(2001)). دبیرکل در وضعیت های مرتبط با صلح و امنیت بین المللی به ویژه در مورد نسل کشی، اقداماتی را به عمل آورده تا نهادهای ذی ربط سازمان را آگاه سازد و در بسیاری از موارد با طرح مساله در مجمع عمومی، تصمیماتی در قالب قطعنامه اتخاذ و راهکارهای عملیاتی برای حل و فصل موضوع ارائه شده است. دبیرکل با داشتن مشاوران و نمایندگان ویژه و ساز و کارهای دیگر، فعالیت های گسترده ای در مسأله صلح و امنیت بین المللی دارد در نتیجه، می تواند توجه شورا و مجمع عمومی را به موضوعات مرتبط با آن جلب کند. هم چنین دبیرکل در همه جلسات ارکان سازمان از جمله مجمع عمومی و شورای امنیت شرکت و وظایف محوله از طرف آن ها را اجرا و در تاسیس دادگاه های مختلط نقش مهمی ایفاء می کند.^۱ شورای اقتصادی و اجتماعی و دیوان بین المللی دادگستری نیز تصمیماتی در قالب قطعنامه و صدور آرای لازم الاتباع در زمینه صلح و امنیت بین المللی اتخاذ و به پیشگیری از نسل کشی کمک می کنند.^۲

۱. ارتباط با نقش دبیرخانه و دبیرکل سازمان ملل در تاسیس دادگاه های مختلط رک: Micaela Frulli, " The Special Court for Sierra Leone: Some Preliminary Comments", in EJIL, Vol.11, No.4, Fall 2000, pp.857-858; Agreement Between The United Nations and the Government of Sierra Leone on the establishment of the Special court for Sierra Leone, preambles, in African Journal of Legal Studies, Vol.1, No.3, Fall 2005, p.187.

۲. دیوان بین المللی دادگستری در دعوی بوسنی و هرزگوین علیه یوگوسلاوی خوانده را ملزم به پیشگیری از وقوع نسل کشی و تضمین عدم ارتکاب توطئه برای نسل کشی، تحریک مستقیم و علنی به نسل کشی و یا شرکت در آن نمود. رک:

Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro ("Case concerning the application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide"), judgment , 26 February 2007 , paras.435 and 451-456

بند دوم: پیشگیری از نسل کشی در چارچوب حقوق بشر

کنوانسیون نسل کشی، بین نسل کشی و سازمان ارتباط برقرار کرده است. در رویه شورای امنیت و مجمع عمومی، نقض جدی قواعد حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه بین المللی، تهدید یا نقض صلح و امنیت بین المللی تلقی و از این حیث بین حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه بین المللی از یک سو و نسل کشی از سوی دیگر، ارتباط برقرار شده است (شریفیان، ۱۳۸۰، صص ۵۳-۵۱). چه ارتباطی بین حقوق بشر و پیشگیری از نسل کشی وجود دارد و چگونه سازمان ملل با پرداختن به مقوله حقوق بشر، سیاست پیشگیری از نسل کشی را پیش می برد. فعالیت سازمان در زمینه حقوق بشر را می توان از دیدگاه ارتقاء حقوق بشر و مبارزه با نقض حقوق بشر بررسی کرد.

الف) ارتقاء حقوق بشر

ارتقاء حقوق بشر به لحاظ توجه اساسی به زمینه های شکل گیری نسل کشی، پیشگیرانه و دارای اهمیت اساسی است. حقوق بشر در منشور جایگاه خاصی دارد و ملل متحد در مقدمه منشور، ایمان خود را به حقوق اساسی بشر تایید کرده (مقدمه منشور ملل متحد) و حصول همکاری بین المللی در ترویج و تشویق رعایت حقوق بشر و آزادی های اساسی برای همگان بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب، یکی از اهداف سازمان بوده و سازمان، مرکزی برای هماهنگی اقدامات کشورها جهت نیل به این اهداف است (بند ۳ و ۴ ماده ۱ و بند ج ماده ۵۵ منشور ملل متحد) و همه اعضا متعهدند برای نیل به هدف احترام جهانی و موثر حقوق بشر و آزادی های اساسی برای همه، اقدامات فردی یا دسته جمعی را در همکاری با سازمان به عمل بیاورند (ماده ۵۶ منشور). در همین راستا، مجمع عمومی مأموریت یافته موجبات مطالعه و صدور توصیه در مورد ایجاد زمینه های مناسب برای توسعه تدریجی حقوق بین الملل و تدوین آن و کمک به تحقق حقوق بشر و آزادی های اساسی را برای همه فراهم کند. شورای اقتصادی و اجتماعی نیز می تواند برای تشویق احترام واقعی به حقوق بشر و آزادی های اساسی برای همه توصیه و در این مورد، پیش نویس اسناد بین المللی را برای تقدیم به مجمع عمومی تهیه و یا طبق قواعد مقرر، کنفرانس های بین المللی برگزار کند. در همین ارتباط، شورای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای ترویج حقوق بشر کمیسیون حقوق بشر را ایجاد کرده است.

کمیسیون حقوق بشر، کار تثبیت قواعد حقوق بشر بر اساس مضمون اعلامیه جهانی حقوق بشر را دنبال کرد که نتیجه آن تصویب دو میثاق بین المللی و توسعه، ترویج و تدوین هنجارهای حقوق بشر بود (هاشمی، ۱۳۸۲، صص ۴۵-۴۱). ساز و کار فعالیت این کمیسیون در زمینه حقوق بشر به

ویژه ترویج و ارتقاء آن نوعی پیشگیری از نسل کشی است. مهم ترین نقش سازمان در این مورد ترویج و توسعه حقوق بشر در قالب وضع قواعد ماهوی حقوق بشر است که دستاوردهای با ارزشی در پی داشته که در این بین می توان از وضع هنجارهای حقوق بشری در قالب اعلامیه جهانی حقوق بشر، دو میثاق بین المللی و برخی اسناد حاوی قواعد رفتاری راجع به ممنوعیت برخی رفتارهای خاص مانند شکنجه، تبعیض نژادی و نسل کشی که الهام بخش قواعد مربوط به حقوق بشر و تدوین و تصویب آن ها در قالب اسناد ملی و منطقه ای حقوق بشر بوده است نام برد؛^۲ فعالیت های سازمان در زمینه ترویج و ارتقاء معیارهای حقوق بشر در حوزه های مختلف به معنای از بین بردن زمینه های شکل گیری نسل کشی است؛ محکومیت جهانی هر گونه ناپردباری و تبعیض مبتنی بر مذهب، قوم گرایی و نژاد پرستی، ترویج حقوق مدنی و سیاسی، حاکمیت قانون و مردم سالاری و توسعه اقتصادی از جمله مواردی است که مورد اهتمام سازمان ملل و عامل بازدارنده از نسل کشی است. جامعه بین المللی علاوه بر وضع قواعد، نیازمند رعایت معیارهای حقوق بشر و مبارزه با نقض آن است (زمانی، پیشین، ص ۲۹۶).

(ب) مبارزه با نقض حقوق بشر

نسل کشی، شدیدترین نقض حقوق بشر^۳ و پیشگیری و مجازات آن سنگین ترین مسئولیت جامعه بین المللی است.^۴ شرط اساسی کارآمدی سازمان، نظارت بر اجرا و رعایت دقیق قواعد

۱. به موجب قطعنامه شماره ۶۰/۲۵۱ مصوب ۳ آوریل ۲۰۰۶ مجمع عمومی، شورای حقوق بشر جایگزین این کمیسیون گردیده است. ر.ک: زمانی، «نظارت جهانی بر اجرای حقوق بشر: از کمیسیون حقوق بشر تا شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد».

2. Christopher McCrudden, op.cit. pp. 656-659.

۳. شورای حقوق بشر با یادآوری این که نقض گسترده حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه بین المللی ممکن است موجب وقوع نسل کشی شود و با تایید اهمیت مشارکت نظام حقوق بشر ملل متحد در تلاش برای پیشگیری از اوضاعی که ممکن است در آن نسل کشی رخ دهد، از دولت ها خواسته برای پیشگیری از وقوع نسل کشی، در تقویت همکاری مقتضی با نهادهایی که در کشف سریع و پیشگیری از نقض گسترده و نظام مند حقوق بشر که ممکن است به نسل کشی منجر شود، فعال اند همیاری کنند. هم چنین بر اهمیت نقش نظام حقوق بشر سازمان ملل برای گردآوری اطلاعات مربوط به نقض گسترده و روشمند حقوق بشر در هشدار سریع اوضاعی که می تواند به نسل کشی منجر شود تاکید کرده است.

4. HRS/RES/7/25, 41st meeting, 28 March 2008, paras. 4 and 11 pre. also paras. 6 and 10 dis.

حقوق بشر است. در نتیجه، ارزیابی میزان کارآمدی فعالیت های معطوف به حقوق بشر در ارتباط با پیشگیری از نسل کشی بیشتر منوط به کارآمدی اقدامات سازمان در نظارت بر رعایت قواعد حقوق بشری است. تلاش همه جانبه بین المللی برای اجرای قواعد حقوق بشری به ویژه در دهه های اخیر، بیشتر و به شکل های مختلف در سطح ملی، منطقه ای و بین المللی بر اجرای آن نظارت می شود و در این مورد ساز و کارها و نهادهای نظارتی ایجاد شده است.^۱ نهادهای جهانی حمایت از حقوق بشر عمدتاً حول محور سازمان شکل گرفته اند؛ برخی از آن ها بر منشور و شماری هم بر معاهدات بین المللی مبتنی اند. در منشور، پیوند ظریفی بین رعایت حقوق بشر و حفظ صلح و امنیت جهانی برقرار و صلح و امنیت و حقوق بشر و آزادی های اساسی در کنار هم مورد توجه قرار گرفته و رعایت حقوق بشر عامل حفظ صلح و امنیت بین المللی قلمداد شده است (زمانی، پیشین، صص ۲۹۸ و ۳۰۱).

نهادهای ذی ربط سازمان ملل، نقض حقوق بشر را تهدیدی علیه صلح و امنیت بین المللی یا نقض آن تلقی و اقدامات مقتضی را به عمل می آورند و با این دغدغه بر رعایت و اجرای حقوق بشر نظارت دارند. ساز و کارهای دیگری نیز هست که با آئین خاصی از حقوق بشر حمایت و بر اجرای آن نظارت و با موارد نقض آن برخورد می کنند. برخی از این نهادها مبتنی بر منشوراند؛ مانند شورای حقوق بشر، کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل، کمیسیون مقام زن و کمیساریای عالی حقوق بشر. آئین های خاصی مانند گزارشگران ویژه موضوعی یا کشوری نیز هست که گزارش عملکرد دولت ها را در اجرای هنجارهای حقوق بشری بررسی، ارزیابی و تصمیمات لازم اتخاذ و توصیه های سازنده برای اجرا ارائه می کنند.^۲ سال های ۱۹۷۱ و ۱۹۸۳ شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل گزارشگر ویژه ای را برگزید^۳ تا در مورد پیشگیری و مجازات نسل کشی بررسی کند.

نظام حقوق بشر سازمان برای پیشگیری از وضعیتهای ناقص حقوق بشر که ممکن است نسل کشی در ضمن آن ارتکاب یابد، نقش مهمی دارد. اما بین گفتار و رفتار سازمان، دوگانگی و در سیاست پیشگیرانه آن در قبال نسل کشی نارسایی وجود دارد. یکی از دلایل این نارسایی عدم تناسب ماموریت ها و ساختار سازمان ملل است. مأموریت محوله به شورای امنیت با ظرفیت و

1. UN Whitaker Report on Genocide, 1985, op. cit, paras 3-5.

2. Report of the United Nations high commissioner of human rights on the prevention of genocide, A/HRC/10/25, 9 March 2009, para. 47.

۳. در سال ۱۹۷۹ کمیسیون حقوق بشر سه گزارش تکمیلی و نتیجه تحقیق کمیسیون فرعی را تصویب کرد. ر.ک:

UN Whitaker Report on Genocide, 1985, op. cit., paras. 3-5.

ساختار آن شورا همخوانی ندارد. وقوع موارد متعدد نسل کشی و ناتوانی شورای امنیت در پیشگیری از آن، این نارسایی ها را اثبات کرده است. علاوه بر مقررات منشور، باید از اقدام آن سازمان در تدوین و تصویب مقررات کنوانسیون نسل کشی نام برد که در آن، سیاست هایی برای پیشگیری از نسل کشی اتخاذ شده است.

گفتار دوم: پیشگیری از نسل کشی در بستر کنوانسیون نسل کشی

بند اول: مفهوم و ماهیت پیشگیری از نسل کشی

رویکرد سازمان در تصویب این کنوانسیون (op. cit., paras. 1 and 3)، پیشگیری از وقوع این جنایت و مجازات مرتکبان آن و اهمیت آن به عنوان سند موثر در پیشگیری از نسل کشی پذیرفته شده است (Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro Case, op. cit., paras. 161-165.) در این کنوانسیون در موارد متعددی از واژه پیشگیری نام برده شده، اما تعریفی از آن ارائه نشده است (op. cit., paras. 425-427). در این سند بین المللی، سیاست پیشگیرانه در قبال نسل کشی در قالب تعهد کشورهای عضو و سازمان ملل مطرح شده و با توجه به محتوای حقوقی تعهد، این سیاست معنادار و بنابراین، نکته بسیار مهم تحلیل چیستی محتوای این تعهد است.

دیوان بین المللی دادگستری به عنوان یکی از کنشگران اصلی در سیاست مبارزه با نسل کشی، این مساله را در رای مربوط به دعوای بوسنی و هرزگوین علیه صربستان و مونته نگرو در بررسی مسئولیت ناشی از نقض تعهدات مربوط به پیشگیری و مجازات نسل کشی از طرف دولت خواننده تبیین و برخی از محتوای این تعهد را مشخص نمود. دیوان با تاکید بر این که هدف تدوین مقررات بازدارنده از نسل کشی، بشردوستی است تصریح نمود که پیشگیری صرفاً بیان مقدمه یا مقدمه برای تعهدات دیگر نیست (op. cit., paras. 425-427) بلکه «تعهد به پیشگیری از نسل کشی»، مستقل از تعهد به مجازات آن است (Schabas, William A., op. cit., PP. 520-521) و اگر چه اعمال مجازات برای مرتکبان، یکی از موثرترین راه های جلوگیری از رفتارهای مجرمانه است، اما ارتباط بین وظیفه پیشگیری و مجازات نسل کشی، ارتباط عبارتی است و این دو، تعهد جداگانه اند. در نتیجه، توسل دولت ذی ربط به نهادهای صلاحیت دار سازمان جهت پیشگیری و مجازات نسل کشی بر اساس ماده ۸ کنوانسیون، به معنای ایفای همه تعهدات نیست و تعهد به پیشگیری از نسل کشی بر اساس ماده (۱) به جای خود باقی است (op. Cit., para. 430). دیوان اعلام نمود که ماهیت این تعهد، تعهد به فعل است و نه تعهد به نتیجه؛ یعنی

دولت های عضو کنوانسیون متعهدند که هر گونه وسایل معقول و در دسترس را به کار گیرند تا از نسل کشی پیشگیری کنند. از نظر حقوقی، مسئولیت زمانی ایجاد می شود که یک دولت در استفاده از همه امکانات برای پیشگیری از نسل کشی کوتاهی کرده باشد (اردبیلی، حبیب زاده و فخر بناب، ۱۳۸۵، صص ۱۵-۱۱). دیوان با استناد به قاعده حقوق بین الملل عرفی در باب مسئولیت دولت ها تصریح نمود که تعهد دولت به پیشگیری زمانی مطرح می شود که از وجود خطر جدی وقوع نسل کشی، آگاه بوده یا باید آگاه باشد؛ از این زمان به بعد است که اگر امکانات موجود را بازدارنده تشخیص دهد، موظف است به نحو مقتضی از این وسایل استفاده کند. با توجه به این که پیشگیری، به عنوان تعهد در این کنوانسیون پیش بینی شده بنابراین، لازم است بررسی شود که برای اجرای این تعهد مهم چه ساز و کاری در کنوانسیون اندیشیده شده و آیا ساز و کارهای پیش بینی شده تناسبی با این تعهد دارد یا خیر؟

بند دوم: ساز و کارهای پیشگیری از نسل کشی در کنوانسیون

در این کنوانسیون، ساز و کارهای مختلفی برای اجرای سیاست سازمان ملل در امر پیشگیری از نسل کشی پیش بینی شده که جرم انگاری نسل کشی، پیش بینی مسولیت کیفری فردی و مسولیت بین المللی دولت ها و امکان توسل به نهادهای صلاحیتدار سازمان ملل از جمله آنهاست.

الف) جرم انگاری نسل کشی: برای جلوگیری از نسل کشی، نسل کشی و اعمال مرتبط با آن جرم و مرتکبان آن قابل مجازات و وضع قوانین متناسب از طرف دولت ها برای اجرای مفاد معاهده مخصوصاً جرم انگاری و اعمال ضمانت های کیفری برای مرتکبان نسل کشی به عنوان یکی از تعهدات دولت های عضو شناخته شده است. اما، این معاهده ضمانت اجرای خاصی برای نظارت بر اجرای تعهدات مندرج در این کنوانسیون پیش بینی نکرده و این یکی از نارسایی های اساسی است^۱. لذا، اجرای مقررات کنوانسیون ارزیابی نشده و بسیاری از کشورهای عضو این کنوانسیون و نیز ارکان ذی ربط سازمان در موارد خاصی که باید به تعهد خود در این ارتباط عمل می کردند به رغم گذشت بیش از پنج دهه از لازم الاجرا شدن این سند، به تعهدات خود از جمله تعهد به

1. Prosecution and prevention of genocide: current developments and historical experience”, Lecture by Mr. Juan E. Méndez, President of International Center of Transitional Justice and Former Special Adviser to the Secretary-General on the Prevention of Genocide, University of Quebec at Montreal, 8 June, 2007, p. 2.

پیشگیری از وقوع نسل کشی به ویژه وضع قوانین و مقررات داخلی برای عملیاتی کردن این مساله عمل نموده اند و تنها از دهه ۱۹۹۰ به بعد و پس از وقوع برخی موارد فاجعه آمیز نسل کشی است که سازمان ملل تحولات و تغییراتی در راستای نظارت بر اجرای این کنوانسیون داشته است.

ب) تعیین ضمانت اجرا برای نسل کشی: جامعه بین المللی با آگاهی از این که بی کیفی در جرائمی مانند نسل کشی، وقوع آن را ترغیب می کند و مانعی برای تقویت همکاری بین دولت ها برای ارتقاء صلح و امنیت بین المللی است و مبارزه با بی کیفی در این مورد، عامل مهمی در پیشگیری از آن است در کنوانسیون نسل کشی تعقیب و مجازات مرتکبان نسل کشی را به عنوان بخشی از سیاست پیشگیرانه خود قرار داده است (UN Whitaker Report on Genocide, 1985, op. cit., paragraph 14). محکومیت جهانی نسل کشی و ضرورت همکاری بین المللی برای رهایی بشریت از این بلا اقتضاء می کند که در تکمیل اقدامات پیشگیرانه، برای مرتکبان این گونه رفتارها ضمانت اجرایی پیش بینی و تعیین شود، بنابراین، ساز و کار دیگری که در این کنوانسیون برای پیشگیری از نسل کشی پیش بینی شده، اعمال مجازات برای مرتکبان و مسئولیت بین المللی برای دولت های عضو است. مجازات مرتکبان نسل کشی^۱ راهبردی است که جامعه بین المللی با محوریت سازمان در قالب این سند بین المللی برای پیشگیری از نسل کشی اتخاذ نموده است. اما، در این مورد نیز نارسایی هنجاری مقررات کنوانسیون کاملاً مشهود و نیازمند اقدامات بین المللی بیشتری برای ارائه سیاست جامع است.

ج) امکان توسل به نهادهای صلاحیت دار سازمان ملل: به موجب این کنوانسیون دولت ها می توانند در اجرای تعهدات ناشی از کنوانسیون، به ارکان صلاحیتدار سازمان ملل متوسل شوند. این ترتیب، یکی از ابزارهای پیشگیری از نسل کشی است. بر اساس ماده (۸) این کنوانسیون، هر دولت عضو می تواند از ارکان صلاحیتدار سازمان ملل بخواهد برای پیشگیری و مجازات نسل کشی، هر گونه اقدام مقتضی را طبق مقررات منشور به عمل آورد. در حقیقت، این ماده حلقه ارتباطی بین سازمان و مساله پیشگیری و مجازات نسل کشی است. با عنایت به این که ممنوعیت نسل کشی از قواعد آمره است، بنابراین، فراخوان ارکان صلاحیتدار سازمان برای پیشگیری و مجازات نسل کشی هم حق و هم تعهد دولت ها است. ماده (۸) کنوانسیون دلالت دارد بر این که دولت های عضو حق و

1. Prosecution and prevention of genocide: current developments and historical experience, op.cit., p. 2.

در عین حال، تکلیف دارند برای پیشگیری و مجازات نسل کشی، از ارکان صلاحیتدار سازمان کمک بخواهند؛ ارکان صلاحیتدار سازمان متعهدند برای پیشگیری و مجازات نسل کشی، اقدام و به درخواست دولت های عضو پاسخ دهند؛ اقدام ارکان سازمان بر اساس منشور خواهد بود؛ تشخیص تدابیر مقتضی برای پیشگیری و مجازات نسل کشی با خود ارکان صلاحیتدار سازمان خواهد بود (Ibid. paras. 452-457). مفاد ماده ۸ شامل همه ابعاد مختلف سیاست مبارزه با نسل کشی از جمله سیاست پیشگیرانه است. از جمله ارکان صلاحیتداری که دولت ها می توانند برای پیشبرد سیاست پیشگیرانه به آن توسل جویند دیوان بین المللی دادگستری است. این مساله در دعوای بوسنی و هرزگوین علیه صربستان و مونته نگرو مطرح شد. دیوان دستور داد که دولت خوانده بی درنگ در تعقیب و اجرای تعهدات ناشی از کنوانسیون نسل کشی همه اقدامات ممکن را برای پیشگیری از نسل کشی به عمل آورد. دیوان با توجه به الزام آور بودن قرارهای موقت و عدم اجرای تعهد به تضمین اتخاذ تدابیر لازم برای جلوگیری از نسل کشی اعلام کرد که خوانده این تعهد را نقض کرده و در نتیجه، از نظر بین المللی مسئول است.^۱ بنابراین، پیشگیری از نسل کشی ماموریت دولت ها و سازمان ملل (Samuel Totten and Paul R. Bartrop, 2004, p.32) و مبارزه با آن نه تنها یکی از اهداف اساسی بلکه تعهد بین المللی آن سازمان تلقی می شود. بررسی عملکرد سازمان، حکایت از وجود نارسایی ها در تحقق این هدف و اجرای این تعهد بین المللی دارد که ناشی از نوع ماموریت ها و ساختار آن است. وجود بحران ها و نسل کشی، قابلیت سازمان را برای رویارویی با این مساله به چالش کشیده و سازمان نیازمند باز تعریف ماموریت و تحوّل اساسی است؛ تحوّل که کارآمد بوده و در آن، همبستگی بین المللی در کانون توجه قرار گیرد. با توجه به نارسایی در ماموریت ها و عملکردهای سازمان در زمینه اتخاذ سیاست های پیشگیرانه برای مبارزه با نسل کشی انجام تغییرات متناسب با تحولات بین المللی به منظور اتخاذ سیاست پیشگیرانه کارآمد و سنجیده در مبارزه با نسل کشی ضروری و بر اساس تحقیقات انجام شده نسل کشی قابل پیشگیری است (Kenneth J. Campbell, 2004, 34-35) در همین چارچوب، تحولات و تغییراتی در رویکرد سازمان برای پیشگیری از نسل کشی انجام شده که می توان آن را تحت عنوان پیشگیری از نسل کشی در پرتو اصلاح سازمان ملل بررسی کرد

1. Jean de Dieu SIKULIBO , De la contribution de la jurisprudence du TPIR à l'incrimination du crime de genocide, Université nationale du Rwanda, Mémoire présenté en vue de l'obtention du Bachelor's Degree en Droit, Octobre 2007, Présentation générale du sujet

(Samuel Totten and Paul R. Bartrop, 2004, 9)
R. Bartrop, 2004, 9)

مبحث دوم: پیشگیری از نسل کشی در پرتو اصلاحات در سازمان ملل

پیشگیری از نسل کشی، مأموریت و هدف اساسی سازمان ملل است و عملکرد آن سازمان، حکایت از وجود نارسایی ها در تحقق این هدف دارد. وقوع موارد متعدد نسل کشی، قابلیت سازمان ملل را برای رویارویی با این مساله زیر سوال برده و چندین بار، سازمان در موردی که ارتکاب نسل کشی قریب الوقوع و یا در جریان وقوع بوده، به خاطر عدم اقدام و یا اقدام نامناسب مورد سرزنش قرار گرفته است. گاهی برخی دولت ها از تصمیم گیری شورا برای مداخله یا پیشگیری از نسل کشی جلوگیری و سپس اعلام کرده اند که سازمان در مقابل نسل کشی ضعیف عمل کرده است. قضایای رواندا و یوگوسلاوی نمونه این موارد است.^۱ بنابراین، سازمان به این نتیجه رسیده که برای رویارویی با این چالش، نیازمند تحول، باز تعریف مأموریت ها و تغییرات اساسی در ساختار است. در همین چارچوب، تحولاتی برای پیشگیری از نسل کشی انجام شده است. رویکرد کلی این است که مشروعیت و اقتدار شورای امنیت اعاده شود تا از نظر دموکراسی بین المللی، فراگیر و آینه تمام نمای جامعه بین المللی شود و مجمع عمومی تقویت شود تا بتواند سریع و مقتضی هشدارهای راجع به نسل کشی را اخذ و ضمن اتخاذ تصمیم، اقدام بازدارنده و پیشگیرانه را به عمل آورد. بنابراین، این مساله مطرح است که چگونه می توان با تقویت و توسعه هدفمند مأموریت های سازمان ملل از یک سو و ساختار و نهادهای آن از سوی دیگر، به هدف پیشگیری از نسل کشی و وعده جامعه بین المللی مبنی بر جلوگیری از وقوع آن، تحقق بخشید.

گفتار اول: پیشگیری از نسل کشی در پرتو تقویت و توسعه هدفمند مأموریت

سازمان ملل در قالب مفاهیم سنتی نتوانسته در خصوص پیشگیری از نسل کشی، نتایج مطلوبی کسب کند. بنابراین، برای برون رفت از این وضعیت نامطلوب، ضمن تجدید نظر در مأموریت ها،

۱. این رویکرد سازمان با عملکرد آن در ارتباط با پیشگیری از نسل کشی در دوره جنگ سرد تفاوت اساسی دارد. سازمان در خلال جنگ سرد، به رغم وقوع نسل کشی، برای پیشگیری از این پدیده هیچ اقدام عملی انجام نداد و دو رقیب جنگ سرد، در واقع سازمان را از هر گونه اقدام در این مورد بازداشتند. به طور کلی، ارتکاب نسل کشی در دوره جنگ سرد در سایه فضای سیاسی حاکم بر جامعه بین المللی و بی کفایتی حاکم در این برهه از زمان ناشی از ناتوانی و فقدان رهبری سیاسی در این سازمان بوده است.

رویکرد تقویت و توسعه اهداف و مأموریت‌ها را اتخاذ و در این رویکرد بر مفاهیم مسئولیت برای حمایت، حاکمیت و حق مداخله بشر دوستانه تأکید نموده است.

سال ۲۰۰۵، دولت‌ها پذیرفتند که مسئولیت دارند از ملت خود در برابر نسل‌کشی حمایت و از وقوع آن پیشگیری و به این تعهد عمل و جامعه بین‌المللی نیز برای عمل به این مسئولیت، به دولت‌ها کمک کند. جامعه بین‌المللی نیز مسئولیت دارد طبق منشور از طریق سازمان ملل با ابزارهای مناسب دیپلماسی، بشر دوستانه و طرق مسالمت‌آمیز، برای حمایت از مردم در برابر نسل‌کشی کمک کند. هم‌چنین دولت‌ها اعلام آمادگی کردند که در صورت کار ساز نبودن طرق مسالمت‌آمیز و کوتاهی آشکار مقامات ملی از حمایت از ملت خود در برابر این جنایت، از طریق شورای امنیت هر گونه اقدام جمعی را طبق منشور و با همکاری سازمان‌های ذی‌ربط منطقه‌ای به عمل آورند. از طرف دیگر، دولت‌ها این مسئولیت را پذیرفتند که در صورت نیاز، به نحو مقتضی به دولت‌های ذی‌ربط برای ظرفیت‌سازی جهت حمایت از ملت خود در برابر نسل‌کشی کمک کنند (Samuel Totten and Paul R. Bartrop, 2004, 9-10). این رویکرد جدیدی است که از آن تحت عنوان مسئولیت برای حمایت یاد می‌شود (بند ۳ ماده ۵۵ منشور ملل متحد). از سوی دیگر، نسل‌کشی در بیشتر موارد تحت لوای حاکمیت دولت‌ها واقع می‌شود؛ اعم از این که دولت ذی‌ربط نمی‌تواند یا نمی‌خواهد از وقوع نسل‌کشی پیشگیری کند. بنابراین، سوال این است که در صورت ناتوانی یا کوتاهی دولت‌ها، سازمان ملل چگونه اقدام و به مسئولیت خود در این ارتباط عمل کند؟

جامعه بین‌المللی بر پایه همکاری بنا شده و تساوی حاکمیت دولتها و اصل منع مداخله در امور داخلی دولت‌ها مانع از آن است که بتوان بر اجرای تعهدات دولتها نظارت مؤثر داشت. چگونگی رفتار هر دولت با اتباع خود، جزء صلاحیت ملی آن دولت بوده و سازمان از مداخله در آن منع شده است. ولی سازمان در عمل نشان داده که در مسائل مربوط به نقض حقوق بشر محدودیتی در "صلاحیت ملی" احساس نمی‌کند و صلاحیت خود را در این زمینه گسترش داده است و حتی مداخله خود را به منظور تشویق دولتها به رعایت اصول و مقاصد منشور از جمله احترام به حقوق بشر و آزادیهای اساسی موجه می‌داند (سیفی، ۱۳۷۴، ۲۴۷-۲۴۶). مفهوم «مسئولیت برای حمایت» به طور رسمی در سال ۲۰۰۵ تأیید و به موجب قطعنامه مجمع عمومی تصویب شد (افتخار جهرمی، ۱۳۷۵: ۸۷).

بند اول: حاکمیت دولت ها

در روابط بین الملل اصل احترام متقابل به حاکمیت دولت ها جاری است^۱. سازمان ملل برای حفظ صلح و امنیت بین المللی بر اساس حمایت از تمامیت سرزمینی، استقلال سیاسی و حاکمیت ملی اعضای خود شکل گرفته که تاکید دیگری بر این مفهوم از حاکمیت است^۲. این مساله واقعیت دارد که بسیاری از موارد نقض حقوق بشر از جمله نسل کشی با دخالت دولت صورت می گیرد؛ اعم از این که دولت ذی ربط نمی تواند یا نمی خواهد از آن جلوگیری کند. در این گونه موارد چگونه می توان با مساله حاکمیت دولت ها برخورد کرد. آیا حاکمیت دولت ها مطلق است (افتخار جهرمی، ۱۳۷۵، ۸۷). یا هنگامی که مسائلی از قبیل نسل کشی مطرح می شود این جنبه از مفهوم حاکمیت رنگ می بازد؟ (Christian Tomuschat, 2006, 830,837 & 838)

سازمان ملل این مساله را بر اساس حاکمیت مبتنی بر مردم توجیه کرده است. در این برداشت از حاکمیت، بر دموکراسی سیاسی و توسعه آزادی های عمومی تاکید می شود و حاکمیت متضمن مسئولیت است. تلقی حاکمیت به مفهوم مسئولیت متضمن این است که مقامات دولتی مسئولند از امنیت و جان مردم حمایت کنند و در سطح داخلی در قبال شهروندان و در سطح جامعه بین المللی به موجب منشور پاسخگوی اقدامات خود هستند. قواعد بین المللی حقوق بشر و تاثیر فزاینده بحث بین المللی در مقوله امنیت بشری، این مفهوم از حاکمیت را تقویت نموده است. (Ibid, paras. 2.13-2.15).

تحوّلات مربوط به ارتقاء حقوق بشر و تدوین قواعد حمایتی در این زمینه از جمله توسعه حقوق بین الملل کفیری که به عنوان ضمانت اجرای نقض قواعد حقوق بشر در حال تحوّل است گواه این مدعاست که حاکمیت، متضمن مسئولیت دولت هاست. اکنون، در ادبیات حقوق بین الملل در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی حاکمیت دولت، دموکراسی، حاکمیت قانون (Bruce Cronin, 2007, 293-295) و به زمامداری معیار و شرط لازم برای مشروعیت حاکمیت تلقی می شود.

1. International Commission on Intervention and State Sovereignty, The Responsibility to protect Dec. 2001, <http://www.iciss.ca/pdf.Commission-Report.Pdf>, paras. 2.7 and 2.8. (visited at 2009-07-21)

2. Bruce Cronin, 2007, 293-295

بند دوم: مسئولیت برای حمایت

سازمان ملل به خاطر کوتاهی در حمایت از مردم در برابر نسل کشی مورد انتقاد قرار گرفته است.^۱ سال ۲۰۰۵، در سند نهایی نشست سران راهکارهای جدیدی طرح و تایید شد که هر دولتی مسئولیت دارد از ملت خود در برابر نسل کشی حمایت و از این جرم پیشگیری کند. رویکرد مسئولیت برای حمایت در برابر نقض جدی حقوق بشر به ویژه نسل کشی که با محوریت سازمان اتخاذ شده به عنوان اصل راهبردی جامعه بین المللی مورد تایید دولت ها قرار گرفته که بر پایه تعهدات مندرج در مفهوم حاکمیت، مسئولیت شورای امنیت برای حفظ صلح و امنیت بین المللی، تعهدات حقوقی ناشی از مقررات معاهدات مبتنی بر حقوق بشر، کنوانسیون نسل کشی، کنوانسیون های ژنو و قواعد حقوق بشر دوستانه بین المللی، اساسنامه دیوان کیفری بین المللی، قوانین ملی و بالاخره، رویه عملی در حال توسعه دولت ها، سازمان های منطقه ای و شورای امنیت مبتنی است؛ مسئولیت حمایت از مردم در برابر نسل کشی سه رکن اساسی دارد: مسئولیت برای پیشگیری از نسل کشی، مسئولیت برای واکنش به نسل کشی در شرف وقوع و مسئولیت برای اقدام پس از وقوع نسل کشی^۲ در این جا، دو رکن اساسی این مفهوم یعنی مسئولیت برای پیشگیری از نسل کشی و مسئولیت برای واکنش به نسل کشی در شرف یا در حال وقوع به خاطر اهمیت بررسی می شود.

الف) مسئولیت برای پیشگیری از نسل کشی

پیشگیری از نسل کشی مسئولیت دولت هاست که با تضمین رفتارهای عادلانه با همه شهروندان، پاسخگو بودن، حمایت از حقوق بشر، ارتقاء و بهبود توسعه اقتصادی و اجتماعی و توزیع عادلانه منابع ملی که نبود آن ها می تواند زمینه ای برای نسل کشی باشد، قابل تحقق است. در مواردی که دولت ذی ربط نتواند یا نخواهد به منظور پیشگیری از وقوع نسل کشی با علل ریشه ای آن مبارزه کند در این صورت، سازمان ملل باید به مسئولیت خود در این زمینه عمل کند و اقدامات مقتضی را به عمل آورد. نظر به این که بیشتر موارد نسل کشی در درگیری های داخلی رخ می دهد لذا

1. Frederic L. Kirgis, " The 2005 World Summit Outcome Document, paras. 119 and 134-136, in A/RES/60/1, 24 October 2005 International Law Aspects of the 2005 World Summit Outcome", available at: <http://www.asil.org/insights/2005/10/insights051004.html>, visited on 2009-07-29.
2. Report of International Commission on Intervention and State Sovereignty, The Responsibility to protect, paras. 2.4-2.33.

بخشی از اقدامات سازمان معطوف بر این است که از ایجاد زمینه های نسل کشی به طور موثر پیشگیری شود؛ نهادهای مختلف سازمان می توانند در حوزه های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی نقش بسزایی ایفاء کنند. سال ۲۰۰۰، مجمع عمومی و شورای امنیت قطعنامه های متعددی تصویب کردند که در آن نقش اساسی همه اجزاء سیستم ملل متحد و تقویت کارایی آن در پیشگیری از تنش هایی که منجر به نسل کشی می شود مورد تأیید قرار گرفت. در گزارش کمیسیون بین المللی راجع به مداخله و حاکمیت دولت تحت عنوان «مسئولیت برای حمایت»، اعلام شده که سازمان ملل می تواند اقدامات موثر پیشگیرانه مرتبط با علل ریشه ای نسل کشی را در حوزه های مختلف از طریق نهادهای ذی ربط خود به عمل آورد؛ در زمینه اقدامات پیشگیرانه مستقیم سیاسی می توان از مداخله مستقیم دبیر کل، هیات های حقیقت یاب، گروه های دوستی، کمیسیون شخصیت های برجسته بین المللی، میانجیگری از طریق مساعی جمیله، فراخوانی و جلب توجه بین المللی استفاده کرد و در صورت لزوم، به تهدیدات سیاسی و دیپلماتیک مانند تحریم های سیاسی، انزوای سیاسی، تعلیق عضویت در سازمان و محدودیت های مسافرتی و مالی بر اشخاص خاص و سیاست شرمنده سازی متوسل شد.^۱

در زمینه های حقوقی و قضایی می توان بسیاری از اختلافات را از مجاری شبه قضایی، میانجیگری و داوری حل و فصل کرد. اعزام ناظران برای نظارت بر رعایت هنجارهای حقوق بشری و کمک به گروه های در معرض خطر، اقدام دیگری است که باید به درستی از آن استفاده کرد. در سال های اخیر، استفاده از ضمانت های حقوقی بین المللی تبدیل به اقدام پیشگیرانه بین المللی شده است. ایجاد دادگاه های کیفری بین المللی اختصاصی در مورد برخی درگیری ها از جمله یوگسلاوی و رواندا در عین اجرای عدالت، برای مرتکبان احتمالی این گونه جرائم در آینده بازدارنده است. تاسیس دیوان کیفری بین المللی و اعمال صلاحیت جهانی (Matthew Lippman, 2001, 494-495) در مورد جرم نسل کشی که به ابتکار سازمان ملل و با محوریت آن صورت گرفته، گامی در جهت پیشگیری از نسل کشی است.

(ب) مسئولیت برای پیشگیری از نسل کشی در شرف وقوع

مسئولیت برای حمایت، متضمن واکنش به وضعیتهایی است که نیاز فوری به حمایت از انسان دارد. اگر اقدامات پیشگیرانه برای حل و فصل وضعیت بحرانی یا جلوگیری از آن با شکست رو به

1. Report of International Commission on Intervention and State Sovereignty, The Responsibility to protect, paras. 2.9, 2.32; Ibid, para. 3.5.

رو شود یا دولتی نتواند یا نخواهد در مورد وضعیت های محتمل بر وقوع نسل کشی چاره اندیشی کند اقدام جمعی و قهری لازم است. اقدام قهری سیاسی، اقتصادی، حقوقی و حتی نظامی، نباید مداخله گرایانه باشد. قبل از هر گونه مداخله و اقدام نظامی باید شرایط فراهم و از اقدامات نظامی در شرایط کاملاً استثنایی استفاده شود. برای توجیه مداخله لازم است برخی شرایط احتیاطی در آن رعایت شود. به این معنا که صرف نتیجه بخش نبودن چاره اندیشی در مورد ریشه های نسل کشی یا اقدامات مستقیم پیشگیرانه برای مهار یا جلوگیری از بحران های انسانی، به معنای لزوم اقدام نظامی نیست بلکه تا حد امکان باید اقدامات قهری کمتر از مداخله نظامی از جمله انواع مختلف تحریم های سیاسی، اقتصادی و نظامی را به کار گرفت؛ حتی به لحاظ این که برخی از تحریم ها ممکن است پیامدهای ناگواری بر غیر نظامیان داشته باشد^۱ اعمال هر کدام از تحریم ها به ویژه تحریم اقتصادی باید به گونه ای باشد که بر غیر نظامیان کمترین تاثیر را داشته باشد (Francis A Boyle, 2001, no 4). در جریان نسل کشی، برای توقف یا کم کردن سرعت کشتار و در موارد فوق العاده که افراد در معرض نسل کشی اند امکان مداخله نظامی وجود دارد.^۲ منع مداخله در اسناد مختلف حقوق بین الملل مخصوصاً منشور پذیرفته شده اما در مواردی که نسل کشی در شرف وقوع و صلح و امنیت بین المللی در معرض تهدید است در این صورت، مسئولیت برای حمایت تحت شرایط و محدودیت خاصی، اقتضای مداخله نظامی را دارد. بر اساس گزارش کمیسیون بین المللی راجع به مداخله و حاکمیت دولت، مداخله نظامی باید توجیه درستی داشته باشد و به طور کلی، در دو حالت عمده لازم است: حالت اول برای توقف یا جلوگیری از وقوع حتمی تلفات گسترده انسانی یا تهدید به این وضعیت و حالت دوم برای پاک سازی قومی گسترده بالفعل یا تهدید به آن. این دو مورد می تواند توجیهی برای مداخله نظامی باشد که بر اساس تصمیم شورای امنیت یا ساز و کارهای دیگر سازمان ملل و بر اساس دلایل قطعی، نقض صلح و

۱. با توجه به تأثیر سوءتحریم بر غیر نظامیان، در سند نهایی نشست سران پذیرفته شد که از این آثار بر مردم و دولت های ثالث جلوگیری و بر اجرای آنها به طور موثر نظارت و به محض حصول اهداف به آن پایان داده شود. رک.:

Frederic L. Kirgis, "International Law Aspects of the 2005 World Summit Outcome", available at

<http://www.asil.org/insights/2005/10/insights051004.html>, visited on 2009-07-29

۲. بررسی نشان می دهد که در جریان نسل کشی، موثرترین روش برای توقف نسل کشی که بیشترین احتمال اثر

بخشی را دارد، مداخله آشکار نظامی و سرکوب مستقیم مرتکبان و حمایت از گروه های قربانی است. رک.:

Matthew Krain, "INTERNATIONAL INTERVENTION AND THE SEVERITY OF GENOCIDES AND POLITICIDES", in *International Studies Quarterly*, Volume 49, September 2005 Page 363.

امنیت بین المللی یا تهدید آن تلقی و طبق مقررات منشور اقدام خواهد شد. در صورت مداخله نظامی رعایت برخی شرایط احتیاطی لازم است:

اول این که هدف اصلی از مداخله نظامی توقف یا جلوگیری از نسل کشی باشد. استفاده از زور به منظور تغییر مرز، پیشبرد ادعای یک گروه جهت تعیین حق سرنوشت، ساقط کردن یک دولت و اشغال سرزمین هدف مشروعی نیست. اگر اشغال سرزمین ضرورت داشته باشد دوباره باید اعاده و در صورت عدم امکان اعاده، به طور موقت طبق مقررات منشور اداره و اتخاذ تصمیم شود. اقدام چند جانبه به جای اقدام یک جانبه و میزان حمایت افکار عمومی از مداخله نظامی، از جمله معیارهای هدف صحیح است. دوم این که مداخله گریز ناپذیر باشد. باید همه راه های غیر نظامی برای پیشگیری یا حل و فصل مسالمت آمیز بحران های انسانی به کار گرفته شود. مسئولیت برای واکنش به نسل کشی با زور تنها به عنوان آخرین چاره باشد. البته، این بدان معنا نیست که هر گزینه مورد به مورد آزمایش شود؛ گاهی، ممکن است فرصت کافی برای طی همه مراحل نباشد اما برای چنین فرضی باید دلایل معقولی باشد. اگر بحران در یک کشور و بین دولت و گروه اقلیت باشد طرفین باید به مذاکره و گفتگو ترغیب شوند. در صورت امکان، اعزام ناظران و نیروهای حافظ صلح بین المللی نسبت به مداخله نظامی مناسبتر است (Ibid., paras. 4.33-4.36). سوم ابزارهای متناسب است. برای تامین هدف انسان دوستانه، لازم است حجم، مدت و شدت مداخله نظامی به کمترین میزان لازم، ابزارهای مداخله نظامی با اهداف بشردوستانه متناسب و تاثیر گذاری بر نظام سیاسی دولت مورد نظر در حد نیاز باشد و قواعد حقوق بشر دوستانه بین المللی رعایت شود (Ibid, paras. 4.37- 4.38). چهارم این که اهداف معقول باشد. اقدام نظامی، تنها زمانی قابل توجیه است که احتمال موفقیت یعنی دفع نسل کشی یا توقف آن وجود داشته باشد. اگر مداخله نظامی اوضاع و درگیری را تشدید کند، توجیهی ندارد. اعمال این شرط در مورد کشورهای عضو دائم شورا یا سایر کشورهای قدرتمند سخت است، چون اقدام علیه این کشورها موجب گسترش درگیری، تشدید تلفات انسانی و عدم دستیابی به هدف خواهد شد. این وضعیت نباید موجب شود که این اقدام در سایر موارد تعطیل شود. اقدام جمعی و اعمال فشار مانند تحریم به عنوان بخشی از مسئولیت برای حمایت، در این گونه موارد گزینه مناسب تری است (Ibid, paras. 4.39 - 4.40).

مفهوم مسئولیت برای حمایت در خصوص نسل کشی متضمن آن است که در صورت وجود علایم نسل کشی مبنای قطعی برای مداخله وجود دارد. بر این اساس، باید هر چه زودتر اقدام سیاسی لازم را انجام داد. این مسئولیت متفاوت از مسئولیت مقرر در کنوانسیون نسل کشی است.

مزیت این راهبرد تغییر از رویکرد قضایی به رویکرد سیاسی است و بر تصمیمات بازیگران جامعه جهانی در پاسخ به بحران های جاری یا در شرف وقوع تاکید دارد و مواردی فراتر از نسل کشی را در بر می گیرد (Ibid., paras. 4.41- 4.43).

در اجرای رویکرد مسئولیت پیشگیری از نسل کشی و واکنش در موارد مشتمل بر مداخله و در شدیدترین وجه، مداخله نظامی، مساله در قالب حفظ صلح و امنیت بین المللی و حقوق بشر و بر اساس ساز و کار پیش بینی شده در منشور مطرح می شود. سازمان ملل مرکز هماهنگی این گونه اقدامات جمعی و تامین کننده منافع ملی و جامعه بین المللی است (MAI-LINH K. HONG, 2008, 269) که بر اساس قواعد حقوق بین الملل به ویژه منشور و قواعد حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه بین المللی و در چارچوب قواعد آمره حقوق بین الملل صورت می گیرد. عدم پاسخگویی شورای امنیت به جامعه بین المللی و مجمع عمومی و نبود نظارت و کنترل قضایی بر اقدامات و تصمیمات آن، ضرورت اصلاحات^۱ و تعمیم دموکراسی در این رکن و تسری کامل نمایندگی جامعه بین المللی در آن را ضروری جلوه می دهد و مخصوصاً ایجاد تغییرات سازنده در حق و تو را که همواره ابزار سوء استفاده بوده و اکنون، مشروعیت خود را از دست داده، امری اساسی جلوه می کند. نسل کشی را نمی توان به خاطر حق و تو و منافع کشورهای دارنده این حق نادیده گرفت. در صورتی که شورا نخواهد به مسئولیت خود دایر بر پیشگیری و واکنش در موارد فوری عمل و یا در این مورد کوتاهی کند باز هم می توان به ساز و کارهای دیگری در درون سازمان یعنی مجمع عمومی و سازمان های منطقه ای متوسل شد. اما در مورد این که در صورت عدم اجازه شورا، دولت ها بتوانند به دکتترین مداخله بشر دوستانه استناد و راساً اقدام کنند مقرراتی در قطعنامه نشست سران پیش بینی نشده است. لحن بیان قطعنامه متضمن آن است که دولت ها بدون اجازه شورا نمی توانند به این دکتترین استناد کنند.^۲ و اقدام آن ها بدون اجازه شورا

۱. پل تاورنیه، تغییر ساختار شورای امنیت سازمان ملل متحد: نقش قدرت های بزرگ، همان منبع، ص ۴۹۳ و ۵۰۳-۵۰۲.

۲. در قضیه «اوستیای جنوبی» در منطقه قفقاز نماینده روسیه در شورای امنیت توسل به زور علیه گرجستان را با دکتترین تعهد دولت ها برای پیشگیری از نسل کشی و توجیه و اعلام نمود که نیروهای گرجستان در حمله به «اوستیای جنوبی» در صدد ارتکاب نسل کشی و پاک سازی قومی بوده اند. ر.ک: گروه پژوهش موسسه حقوق بین الملل پارس، پیشین، صص ۱۶۳-۱۶۱ و صص ۱۷۷-۱۷۶.

در مورد این که در صورت عدم اتخاذ تصمیم و اقدام از طرف شورای امنیت، آیا دولتها و جامعه بین المللی مسئولیتی در قبال نسل کشی دارند یا خیر، هنوز پاسخ صریحی داده نشده اما بررسی کمیسیون بین المللی مداخله و مسئولیت برای حمایت نشان داده اقدام خود سرانه در این خصوص ممکن است به تثبیت این دکتترین لطمه وارد کند. طرح این مسأله در دیوان بین الملل دادگستری فرصتی است تا دیوان محتوا و ماهیت این دکتترین را تبیین و همسو با روند سیاست جنایی سازمان ملل و درک شرایط رای مقتضی صادر کند.

مشروعیت ندارد.^۱ بر اساس آنچه گفته شد، سازمان ملل با تکیه بر ماموریت ها و اهداف سنتی و توسعه مفاهیم جدیدی همچون مسئولیت برای حمایت،^۲ رویکرد جدیدی در قبال نسل کشی اتخاذ نموده اما آیا متناسب با تغییر رویکرد، تحولات ساختاری و ساز و کارهای لازم را نیز ایجاد کرده است یا خیر؟

گفتار دوم: پیشگیری از نسل کشی در پرتو تقویت و توسعه هدف مند نهادها

بند اول: تقویت و توسعه نهاد های حفظ صلح و امنیت بین المللی

از نظر کمیسیون بین المللی راجع به مداخله و حاکمیت دولت، هیچ نهادی مناسب تر از شورای امنیت برای مداخله نظامی جهت حمایت از بشریت در برابر نسل کشی نیست؛ چون این شورا است که در موارد حاد باید در برابر حاکمیت دولت ذی ربط و بسیج منابع برای رهایی انسان های در معرض خطر، اتخاذ تصمیم کند و این تصمیم در مورد زمان، مکان، چگونگی اقدام و نهادهای شرکت کننده در مداخله نظامی، اساسی است.^۳ اگر شورا بتواند در این زمینه بر اساس مقررات منشور و قواعد بین المللی حاکم بر آن اقدام و به وظیفه اصلی خود در مساله صلح و امنیت بین المللی و حقوق بشر با رویکرد پیشگیری از نسل کشی عمل کند نیازی به توسل به نهادهای دیگر نخواهد بود. اما، نقش شورا در گذشته رضایت بخش نبوده و اعتبار آن را به چالش کشیده است؛ فقدان اراده سیاسی در شورا برای اقدام و تجویز مداخله نظامی در موارد فوری بحران های انسانی از جمله موارد نسل کشی، عدم نمایندگی عضویت کل جامعه بین المللی و معیارهای دوگانه در

1. Frederic L. Kirgis, "International Law Aspects of the 2005 World Summit Outcome", available at

<http://www.asil.org/insights/2005/10/insights051004.html>, (last visited 2009-08-06).

۲. فوریه ۲۰۰۸، «مرکز جهانی مسئولیت برای حمایت» در موسسه بین المللی «الف بونچ» نیویورک افتتاح شد. هدف

این مرکز سامان دهی اقدامات جامعه بین المللی در مساله مسئولیت برای حمایت و ترویج مفهوم آن است. همزمان، پست مشاور ویژه دبیرکل سازمان ملل در امور مسئولیت برای حمایت به عنوان معاون دبیرکل آن سازمان ایجاد شد تا این مفهوم را توسعه و ترویج دهد و از طریق دولت ها، پیشنهادهای سازنده را اخذ، تجزیه و تحلیل و به دبیرکل در این مورد کمک کند تا این تفکر جدید را توسعه دهد. رک:

Ban Ki-moon crée un poste de Conseiller spécial sur la Responsabilité de protéger, disponible sur <http://www.un.org/apps/news/Fr/>, dernière visite 2009-08-07; Report of the Secretary-General on the implementation of the Five Point Action Plan and the activities of the Special Adviser on the Prevention of Genocide in /HRC/7/37, 2008, para. 12.

3. Ibid, para. 6.14.

Ibid, para. 6.14). امروزه، حقّ و تو مشروعیّت ندارد و با توجّه به واقعیّت های کنونی و مطرح شدن کشورهای دیگر برای ایفای نقش در معادلات بین المللی، نمی توان شورا را نماینده جامعه بین المللی دانست. شورا، سخت نیازمند کسب مشروعیّت واقعی، اعاده اعتبار و اقتدار است (Ibid, para. 6.13). از طرف دیگر، سوء استفاده از حق و تو اصلی ترین مانع برای اقدام موثر بین المللی در موارد اقدام سریع و قاطع برای توقف یا رفع بحران های انسانی از جمله نسل کشی است. معقول نیست که در موارد نسل کشی، حق و تو موجب نادیده انگاشتن دغدغه های جدی بشریّت شود. وجود چنین حقیّی مانع از انجام رسالت اصلی شورا است (Ibid, para. 6.19). بنابراین، نمی توان انتظار داشت که به طور مطلوب در مبارزه با نسل کشی نقش بازدارنده ایفاء کند. شورا در اغلب موارد، از انجام مسئولیت و تأمین خواسته های جامعه بین المللی طفره رفته است. دلیل این امر گاهی، ذی نفع نبودن خود اعضای دائمی، گاهی، وجود اختلاف بین اعضای دائمی در مورد نوع اقدام و در بیشتر موارد، عدم تمایل این کشورها برای پذیرش مسئولیت در این مورد است (Ibid, para. 6.20).

واگذاری مأموریت پیشگیری از نسل کشی بر عهده شورا، با ساختار فعلی شورا تناسبی ندارد و در وضعیت کنونی، امید به سیاست پیشگیرانه کارآمد برای مبارزه با نسل کشی از نظر سیاسی، معقول به نظر نمی رسد. راه برون رفت از این وضعیت اجرای برنامه کلی اصلاح شورا (Ibid, para. 6.22) و انجام تغییرات مناسب در آن با توجّه به تحولات بین المللی است به گونه ای که با افزایش تعداد اعضای شورا از بین کشورهای تاثیر گذار در سطح جامعه بین المللی، دموکراسی نسبی نمایندگی کشورهای عضو شورا تأمین و با اعمال تغییرات مقتضی در حق و تو، مشروعیّت، اعتبار و کارایی این شورا اعاده شود؛ دولت ها در سند نهایی نشست سران به طور صریح بر تسریع در انجام آن تأکید نمودند. با این همه، اصلاحات نباید تنها به تغییر در ترکیب اعضا و توازن قدرت محدود شود بلکه باید به عنوان فرهنگ جدیدی در ادبیات حقوق بین الملل و مبتنی بر توازن و تأمین منافع جامعه بین المللی از جمله امنیت بشری، حقوق بشر و مسئولیت برای حمایت از ملت ها باشد و به طور کلی، اراده سیاسی سازمان را برای اقدام تقویت کند. اصلاحات باید متضمن رفع مشکلات ساختاری در مجموعه سازمان که تاکنون مانع اقدام موثر برای مداخله و پیشگیری از نسل کشی شده، باشد و به ویژه با ایجاد ساز و کارها و نهادهای جدید و معیارهایی دقیقی در این ارتباط الگوهای رفتاری برای شورا تعیین و در این راستا، جایگاه مجمع عمومی به عنوان نهادی که بیشترین دموکراسی در آن حاکم است، ارتقاء داده شود.

بند دوم: تقویت و توسعه نهادهای نظارتی حقوق بشر

مشارکت نظام حقوق بشر ملل متحد در اقدامات پیشگیرانه از نقض حقوق بشر، اهمیت زیادی دارد (وکیل، ۱۳۸۳، ۸۲-۸۱). از این رو، ضرورت دارد دولت ها برای پیشگیری از نسل کشی با نهادهای فعال در زمینه کشف و پیشگیری سریع از نقض گسترده حقوق بشر همکاری کنند. بدین ترتیب، سازمان به مساله پیشگیری از نسل کشی رویکرد حقوق بشری و این اعتقاد را دارد که اگر بتوان از نقض حقوق بشر جلوگیری کرد پیشگیری از نسل کشی نیز محقق می شود.

فعالیت در زمینه نظارت بر حقوق بشر، سازمان ملل را به این مساله رهنمون ساخته که ساز و کار نظارت بر رعایت حقوق بشر کارآیی لازم را نداشته و ساختار و عملکرد نهاد کمیسیون حقوق بشر با انتقادهای زیادی رو به روست (زمانی، ۱۳۸۵، ۹۳-۹۲). این وضعیت، سازمان ملل را به اتخاذ رویکرد جدیدی در قبال این مساله واداشت و به منظور تقویت نظام حقوق بشر در ساختار خود و هدفمند کردن آن در زمینه پیشگیری از نسل کشی، انجام اصلاحاتی را لازم دانسته تا سیاست کلی پیشگیری از نقض حقوق بشر و پاسخ سریع به موارد فوری و جدی حقوق بشر از ساز و کار مناسبتری استفاده شود. مجمع عمومی ضمن تایید اقدامات کمیسیون حقوق بشر و ضرورت حفظ و تکمیل دستاوردها و ترمیم نارسایی های آن و اهمیت تضمین جهان شمولی، بی طرفی، عینی گرایي و غیر گزینشی بودن بررسی مسائل حقوق بشر، حذف معیارهای دوگانه و هر گونه سیاست زدگی در این زمینه و تقویت دستگاه حقوق بشر سازمان ملل (A/RES /60/ 251, 3 April (pre.) 2006, paras. 8, 9 and 12) و به عنوان اقدامی در راستای اصلاحات ساختاری در آن سازمان، شورای حقوق بشر را تاسیس و با تایید اهداف و اصول منشور و سایر اسناد بین المللی مربوط به حقوق بشر از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر، این مساله را به رسمیت شناخت که صلح و امنیت، توسعه و حقوق بشر ستون های اصلی و مرتبط نظام ملل متحدند (رک به بندهای ۱، ۲ و ۶ مقدمه قطعنامه شماره ۶۰/۲۵۱ مجمع عمومی سازمان ملل). در بررسی موضوعات حقوق بشر، باید جهان شمولی، بی طرفی، غیر گزینشی بودن، حذف معیارهای دوگانه و اجتناب از سیاست زدگی، تضمین ارتقاء و حمایت از حقوق بشر مبتنی بر اصول همکاری، گفت و گوی واقعی و معطوف به تقویت ظرفیت دولت های عضو سازمان برای انجام تعهدات مربوط به حقوق بشر به نفع همه رعایت شود (بند ۹ و ۱۰ مقدمه و بند (۴) اجرایی قطعنامه شماره ۶۰/۲۵۱ مجمع عمومی سازمان ملل). یکی از اهداف مهم سازمان در ایجاد این شورا، تقویت نظام حقوق بشر سازمان است تا از همه حقوق اقتصادی، سیاسی، مدنی، اجتماعی، فرهنگی، بهره برداری شود و این مساله از دیدگاه جرم شناختی برای پیشگیری از نسل کشی اهمیت اساسی دارد؛ چون نسل کشی در

بسیاری از موارد، ناشی از محرومیت تبعیض آمیز گروه های خاص از این حقوق است^۱. ارتقاء حقوق بشر و حمایت از آن باید معطوف به تقویت ظرفیت دولت های عضو سازمان ملل برای انجام تعهدات مربوط به حقوق بشر باشد (بند ۱۰ مقدمه و جزء (د) بند ۵ قطعنامه شماره ۶۰/۲۵۱ مجمع عمومی سازمان ملل). این رویکرد سازمان به حقوق بشر موجب می شود دولت ها به یکی از مهم ترین تعهدات حقوقی یعنی پیشگیری از نسل کشی عمل کنند. وظائف عمده شورای حقوق بشر عبارت است از: آموزش حقوق بشر و ارتقاء خدمات مشاوره ای، کمک های فنی و ارتقای ظرفیت دولت ها، ایجاد بستری برای گفتگو در مباحث حقوق بشر، ارائه توصیه به مجمع عمومی برای توسعه حقوق بین الملل در زمینه حقوق بشر، اجرای کامل تعهدات دولت ها در زمینه حقوق بشر و تعقیب اهداف و تعهدات مربوط به ارتقاء حقوق بشر و حمایت از آن ها، بازنگری دوره ای انجام تعهدات هر دولت در زمینه حقوق بشر، حرکت به سوی پیشگیری از نقض حقوق بشر از طریق گفتگو و همکاری با دولت ها، سازمان های منطقه ای، موسسات ملی حقوق بشر و جامعه مدنی در زمینه حقوق بشر معیارهای انتخاب عضویت در شورا نیازمند رعایت قواعد حقوق بشر توسط دولت های داوطلب است (بند ۵، ۷، ۸ و ۹ قطعنامه شماره ۶۰/۲۵۱ مجمع عمومی سازمان ملل). شورا به صورت ادواری وضعیت های متضمن نقض های فاحش حقوق بشر را بررسی و بر اجرای آن نظارت می کند (زمانی، ۳۱۱-۳۰۹).

سال ۲۰۰۸، شورای حقوق بشر در ارتباط با پیشگیری از نسل کشی قطعنامه بسیار مهمی تصویب و بر همکاری بین المللی برای تسهیل پیشگیری و مجازات جرم آن تاکید و یادآوری نمود که نقض گسترده حقوق بشر ممکن است به نسل کشی منجر شود. فرار از کیفر این گونه جرایم، وقوع آن را تشویق می کند و مبارزه با بی کیفری عامل مهم پیشگیری است. شورا با تاکید بر اهمیت کنوانسیون نسل کشی، از دولتها خواست ضمن عضویت در آن و تصویب قوانین ملی، مقررات آن را اجرا کنند. شورا وظیفه فرد فرد دولت ها برای حمایت از ملت خود در برابر این گونه جرائم و پیشگیری از وقوع آن ها و اهمیت نهادهای نظام حقوق بشری ملل متحد و تعامل

۱. به باور مشاور ویژه دبیرکل در امور پیشگیری از نسل کشی، راه پایدار پیشگیری از نسل کشی، مبارزه با علل درگیری های مبتنی بر نسل کشی است که بیشتر در ساختارها و سیاست های انزوا، طرد، تبعیض و انکار حقوق شهروندی و حقوق بشر ریشه دارد. تلاش برای رفع تبعیض، حق آموزش، قوه قضائیه کارآمد و حق برخورداری از حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و مدنی، در پیشگیری از نسل کشی موثر است. رک:.

Human Rights Council hears statements by special advisor on prevention of genocide and Special Rapporteur on human rights in Sudan, Human Rights Council, 17 March 2008

سیستماتیک میان آن ها برای گردآوری اطلاعات راجع به نقض گسترده حقوق بشر و در نتیجه، هشدار سریع وضعیت های پیچیده ای را که ممکن است به نسل کشی منجر شود، یادآور شد (HRS/RES/ 7/25, 41st meeting, 28 March 2008).

بند سوم: تاسیس نهادهای هشدار سریع

سال ۲۰۰۱، شورای امنیت با یادآوری مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین المللی و پیشگیری از منازعات مسلحانه و تاکید بر نقش اساسی دبیرکل و مسئولیت دولت های عضو برای پیشگیری از نسل کشی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی و اهمیت دادگاه های کیفری بین المللی اختصاصی برای جلوگیری از وقوع این جرائم و ضمن تأیید کوتاهی سازمان در پیشگیری از نسل کشی در رواندا و یوگسلاوی (رک به بندهای ۱، ۵، ۶، ۷، ۱۰، ۱۲، ۱۸ و ۱۹ مقدماتی قطعنامه شماره (2001) S/RES/1366 شورای امنیت)، تصمیم خود را برای تعقیب پیشگیری از درگیری مسلحانه به عنوان جزئی از مسئولیت اولیه برای حفظ صلح و امنیت بین المللی و آمادگی خود را برای رسیدگی سریع به موارد هشدار سریع یا پیشگیری از آن اعلام نمود. شورا پایبندی خود را به اقدام سریع و موثر برای پیشگیری از منازعات مسلحانه و استفاده از همه ابزارهای مناسب به منظور پیشگیری از وقوع مجدد این گونه فجایع اعلام و از دبیرکل خواست که اطلاعات و ارزیابی خود را در مورد تهدیدات علیه صلح و امنیت بین المللی مخصوصاً موارد نقض جدی حقوق بین الملل از جمله حقوق بشر دوستانه بین المللی و حقوق بشر و اوضاع و احوالی که احتمال درگیری در آن وجود دارد و ناشی از اختلافات قومی، مذهبی، فقر و عدم توسعه باشد به آن ارجاع دهد و تصمیم جدی خود را برای توجه به این اطلاعات و هر تحلیلی که ممکن است تهدیدی علیه صلح و امنیت بین المللی تلقی شود، اعلام کرد (رک به بندهای ۱، ۵، ۷ و ۱۰ اجرایی قطعنامه شماره (2001) S/RES/1366 شورای امنیت).

ژانویه ۲۰۰۴، دبیرکل سازمان ملل با اعلام این که مهمترین مساله و جدی ترین تعهد، پیشگیری از نسل کشی است پیشنهاد داد کمیته پیشگیری از نسل کشی تأسیس شود تا مانند دیگر نهادهای نظارتی، به طور دوره ای گزارش های راجع به این مساله را بررسی و توصیه های لازم را ارائه کند و گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور پیشگیری از نسل کشی ایجاد شود تا با کمک کمیساریای عالی ملل متحد برای حقوق بشر فعالیت و گزارش های لازم را به مبادی ذی ربط از جمله شورای امنیت ارائه کند. دولت ها و سازمان های بین المللی از این پیشنهادها حمایت کردند. سال ۲۰۰۴، دبیرکل سازمان ملل در دهمین سالگرد فاجعه نسل کشی رواندا، برنامه عمل برای پیشگیری از نسل

کشی مشتمل بر هشدار سریع از وضعیت هایی که ممکن است به نسل کشی منجر شود و توسعه ظرفیت سازمان ملل برای تحلیل و مدیریت اطلاعات راجع به این وضعیت ها^۱ و گزارش اجرای آن را به شورای حقوق بشر ارائه و شورا نیز از کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل خواست که نظرات دولت ها، نهادهای ذی ربط سازمان ملل و نهادهای معاهده محور و آئین های خاص را در این مورد اخذ نماید. کمیساریای عالی حقوق بشر، دیدگاه کشورها را در مورد گزارش دبیرکل در مورد اجرای برنامه عمل و فعالیت های مشاور ویژه دبیرکل در امور پیشگیری از نسل کشی از جمله علائم احتمالی هشدار را که ممکن است به نسل کشی منجر شود به شورای حقوق بشر ارائه داد (E/CN.4/2006/84). در مورد پیشگیری از منازعات مسلحانه، گزارش بعدی دبیرکل حاکی است که فرهنگ پیشگیری در سازمان ملل در حال تحول است و با توسعه ساز و کارهای جدید، پیشرفت های چشم گیری در سطوح ملی و بین المللی حاصل شده است.^۲

سال ۲۰۰۷، دبیرکل در گزارشی راجع به مصونیت از کیفر^۳ با یادآوری ضرورت حاکمیت قانون، گروه هماهنگ کننده حاکمیت قانون را به ریاست معاون دبیرکل برای کمک به دبیرکل و این گروه ایجاد کرد. در سند نهایی سال ۲۰۰۵ بر هشدار سریع، پیشگیری و کمک جامعه بین المللی به ارتقاء توان کشورها جهت اجرای مسئولیت برای حمایت تاکید و به حمایت کامل از ماموریت مشاور ویژه دبیرکل تصریح^۴ و این پیشنهادها مبنایی شد که نهاد مشاور ویژه دبیرکل در امور پیشگیری از نسل کشی و نیز کمیته ویژه دبیرکل در این مورد تاسیس شود. سازمان ملل با تغییر رویکرد از فرهنگ واکنش به فرهنگ پیشگیری و از فرهنگ پیشگیری به فرهنگ پیش بینی

۱. در همایش بین المللی «پیشگیری از نسل کشی: تهدیدات و مسئولیت ها» در استکهلم اعلامیه ای صادر شد که پیام های مهمی در مورد تعهدات مربوط به پیشگیری از نسل کشی دارد: استفاده از ساز و کارهای عملی و توسعه آن برای شناسایی زود هنگام تهدید به نسل کشی، کشتارهای جمعی و پاک سازی قومی؛ مسئولیت حمایت از قربانیان احتمالی نسل کشی، کشتارهای جمعی و پاک سازی قومی بر اساس حقوق بین الملل و کنوانسیون نسل کشی؛ تضمین به اجرای عدالت در مورد مرتکبان نسل کشی و حمایت از بازماندگان نسل کشی؛ تحقیق در مورد امکان پیشگیری از نسل کشی؛ آموزش خطرات نسل کشی و اطلاع رسانی بین نهادهای ذی ربط؛ همکاری در اتخاذ تدابیر علیه خطرات نسل کشی در سازمان ملل و نهادهای ذی ربط دیگر. ر.ک.:

See Declaration by the Stockholm International Forum 2004.

2. Report of the United Nations high commissioner of human rights on the prevention of genocide, A/HRC/10/25, 2009

3. Progress report on the prevention of armed conflict ", A/60/891, 18 July 2006.

4. Uniting our strengths: enhancing United Nations support for the rule of law" A/61/636 – S/2006/980, 14 December 2006

نسل کشی به نشانه های هشدار دهنده نسل کشی توجه می کند و این نیازمند ایجاد ساز و کار خاصی است تا کارآیی این مأموریت را ارتقاء دهد. در همین راستا، ژوئیه ۲۰۰۴، دبیرکل با توجه به دیدگاه های مطرح در همایش بین المللی استکهلم و حمایت کامل سیاسی دولت ها و سازمان ها از آن، با موافقت شورای امنیت مشاور ویژه ای در امور پیشگیری از نسل کشی را منصوب نمود تا اطلاعات موجود در نظام ملل متحد و ارزیابی خود را در باره نقض جدی حقوق بشر ارائه نماید.^۱ وظایف مشاور ویژه در امور پیشگیری از نسل کشی عبارت است از: گردآوری اطلاعات به ویژه در نظام ملل متحد در مورد نقض گسترده حقوق بشر دوستانه بین المللی و حقوق بشر که ریشه در تعصبات قومی و نژادی دارد و در صورت عدم جلوگیری یا توقف آن ها، ممکن است به نسل کشی منجر شود؛ به عنوان هشدار دهنده سریع، وضعیت هایی را که ممکن است به نسل کشی منجر شود به دبیرکل و شورای امنیت، اطلاع دهد؛ ارائه توصیه به شورای امنیت در مورد اقدامات مربوط به پیشگیری یا دفع نسل کشی از طریق دبیرکل؛ برقراری ارتباط با نظام ملل متحد در مورد فعالیت های راجع به پیشگیری از نسل کشی و تقویت ظرفیت آن برای تجزیه و تحلیل اطلاعات مربوط به نسل کشی.^۲ مشاور ویژه در چارچوب همین مأموریت ها و وظایف در حال توسعه راهبردها و روش هاست و در این بین از همه ظرفیتهای ممکن در ارکان سازمان، دولتها و سازمان ها و جامعه مدنی استفاده می کند. تاکنون، فعالیت مشاور ویژه در این چهار حوزه متمرکز بوده است: حمایت از مردم در خطر نقض گسترده حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه بین المللی؛ پاسخ به نقض گسترده حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه بین المللی؛ ارائه کمک های بشر دوستانه و چاره اندیشی در مورد علل ریشه ای جنگ از طریق موافقت نامه های صلح و فرایندهای انتقالی (Ibid, para. 17).

سیاست های مشاور ویژه در امور پیشگیری از نسل کشی، اقدام در چارچوب کنوانسیون نسل کشی، احترام به حاکمیت کشورها و جلب توجه آنها به مسئولیت آور بودن مفهوم حاکمیت در برابر نسل کشی، ارتقای همکاری با آن ها و حصول اجماع و شفافیت در مساله است. هشدار یکی

1. Report of the Secretary-General on the implementation of the Five Point Action Plan and the activities of the Special Adviser on the Prevention of Genocide" *ibid*, para. 8; *ibid*, para. 11

2. Report of the Secretary-General on the implementation of the Five Point Action Plan and the activities of the Special Adviser on the Prevention of Genocide" *ibid*, para. 8; *ibid*, para. 11

از اقدامات مشاور ویژه است که از طریق مشورت با نهادهای ذی ربط^۱، کشورها و فرایندهای منطقه ای و سازمان ملل صورت می گیرد. در واقع، مشاور ویژه سرعت دهنده اقدامات پیشگیرانه دولت ها و بازیگران و ایجاد ارتباط و هماهنگی با سازمان ملل و سازمان های منطقه ای است. شناسایی و تثبیت اولویت^۲، توجه به موارد خاص، ایجاد توافق بین کشورها، توصیه روشهای هدفمند برای مداخله، برگزاری نشست های علمی، سمینارها، همایشها و یا شرکت در این گونه مجامع و محافل (Ibid, paras.19-22) و تبیین تعهدات دولتها برای پیشگیری از نسل کشی و یادآوری مسئولیت های آنها در این زمینه از جمله وظائف و فعالیتهای مشاور ویژه است (Ibid, paras. 23-32). سال ۲۰۰۶، دبیرکل بر اساس پیشنهاد مشاور ویژه دبیر کل در امور پیشگیری از نسل کشی، کمیته مشورتی پیشگیری از نسل کشی را ایجاد کرد تا کمکهای لازم را به مشاور ویژه ارائه و در اقدامات سازمان برای پیشگیری از نسل کشی مشارکت کند (Ibid., paras.19-22). سال ۲۰۰۷، دبیرکل بر اساس توصیه های کمیته مشورتی راجع به پیشگیری از نسل کشی، پست مشاور ویژه در امور نسل کشی را به معاونت دبیرکل ارتقاء داد و عنوان آن را به نماینده ویژه دبیر کل در امور پیشگیری از نسل کشی و جرائم گسترده تغییر داد.

کوتاهی سازمان ملل در پیشگیری از نسل کشی به اعتبار آن خدشه زده و پیشگیری از نسل کشی به یک دغدغه جدی این سازمان تبدیل شده است. طرح نظریات نوین در ادبیات این حوزه مانند مسئولیت برای حمایت از ملت در برابر نسل کشی و در کنار آن ایجاد پست مشاور ویژه به منظور تبیین، ترویج و توسعه مفهوم مسئولیت برای حمایت همه موید آن است که پیشگیری از نسل کشی در کانون توجه سازمان ملل، دولتها و جامعه بین المللی قرار گرفته و تغییرات مفهومی

۱. به عنوان نمونه می توان از طرح اعلامیه کمیته حذف تبعیض نژادی در شصت و ششمین نشست خود راجع به پیشگیری از نسل کشی یاد کرد که برای بررسی دولت های عضو کنوانسیون بین المللی حذف همه اشکال تبعیض نژادی، دبیرکل سازمان ملل و نیز شورای امنیت ارائه و متعاقباً تصویب شد. هدف از تصویب این اعلامیه توسعه شاخص های مربوط به نسل کشی، تقویت اقدامات هشدار سریع و تعقیب اقدامات راجع به وضعیت های در شرف درگیری خشونت آمیز و نسل کشی است.

Decision on follow-up to the declaration on the prevention of genocide: indicators of patterns of systematic and massive racial discrimination, CERD/C/67/1, 14 October 2005

۲. این موضوع بعداً طی سند شماره CERD/C/66/1, 17 October 2005 تحت عنوان اعلامیه پیشگیری از نسل کشی تصویب شد.

در این حوزه ایجاد شده است. از طرف دیگر، با توجه به وجود موانع ساختاری در سازمان ملل برای پیشگیری از نسل کشی، هم گام با تغییرات مفهومی و هنجاری، تغییر و تحولات ساختاری هدفمند در سازمان ایجاد شده که جایگزینی شورای حقوق بشر به جای کمیسیون حقوق بشر، طرح کلی اصلاحات در ساختار سازمان به ویژه شورای امنیت و ایجاد پست مشاور ویژه از جمله این تحولات است که در عین بازدارندگی از نسل کشی، به لحاظ نظری به طور جدی توجه دولت ها و جامعه بین المللی را به این مسأله جلب کرده که نبود نهاد نظارتی در اجرای کنوانسیون نسل کشی، زمینه را برای وقوع این جرائم فراهم می کند.

نتیجه گیری

سازمان ملل در قالب اهداف صلح و امنیت بین المللی و حقوق بشر مقرر در منشور و مقررات کنوانسیون نسل کشی، سیاست پیشگیری از نسل کشی را اتخاذ نموده است. گر چه، جرم انگاری نسل کشی، پیش بینی تعهدات بین المللی دولتها برای پیشگیری از آن و اعمال مسئولیت کیفری در قالب کنوانسیون نسل کشی، مهم ترین اقدام در پیشگیری از نسل کشی و بازدارنده است اما، ضمانت اجرای خاصی برای نظارت بر اجرای تعهدات مندرج در آن پیش بینی نشده و موجب شده که اجرای تعهدات مندرج در آن ارزیابی نشود. افزون بر آن، ساختار سازمان ملل و فقدان اراده سیاسی در آن مانع از اتخاذ سیاست پیشگیرانه سنجیده و مشجع و استفاده از همه ظرفیت های موجود برای پیشگیری از نسل کشی بوده و تحقق این مأموریت با نارسایی هایی رو به رو بوده و قابلیت سازمان برای مبارزه با این مسأله به چالش کشیده شده و باز تعریف مأموریت، تحوّل و کارآمدی به یک ضرورت تبدیل و در نتیجه، بر مسأله پیشگیری از نسل کشی در پرتو اصلاحات سازمان تاکید شده و رویکرد جدید سازمان ملل این است که پاسخ به چالشها در زمینه نسل کشی نیازمند تغییر در مأموریتها و ساختار سازمان و اتخاذ رهیافتهای جدیدی است. در همین راستا، سازمان ملل به منظور تقویت و توسعه اهداف و مأموریتهای سنتی، به ابتکارات جدید مبادرت و بر حاکمیت به معنای مسئولیت و مسئولیت برای حمایت از ملت در برابر نسل کشی تاکید و رکنی به عنوان مشاور ویژه در امور مسئولیت برای حمایت ایجاد نموده است. پذیرش این مسئولیت، افق جدیدی برای احساس مسئولیت دولت ها و سازمان و زمینه برای اجرای تعهدات آن ها در زمینه پیشگیری از نسل کشی فراهم و موجب قاعده مندی مداخله سازمان و اجتناب از رفتارهای تبعیض آمیز در این زمینه می شود. رویکردهای جدید در مسأله پیشگیری از نسل کشی در چارچوب سازمان، نیازمند تحولات ساختاری و ایجاد نهادهای متناسب در سطح آن است. در این زمینه اساساً

بر نقش و اهمیت شورای امنیت تاکید می شود اما نارسایی در عملکرد این شورا اقتضا می کند که اعتبار آن تقویت و اعاده شود. سازمان در حوزه حقوق بشر برای تقویت نهادهای نظارتی، شورای حقوق بشر را تاسیس نموده که دارای ساز و کارهای جدیدی است و با اقدامات بازدارنده خود می تواند با نقض حقوق بشر و عوامل نسل کشی مبارزه و در نهایت از وقوع آن پیشگیری کند. علاوه بر موارد یاد شده و به عنوان تازه ترین اقدامات، سازمان گام را فراتر نهاده و در واقع، از فرهنگ پیشگیری به فرهنگ پیش بینی و هشدار سریع تغییر رویکرد داده است. نهاد مشاور ویژه دبیرکل در امور پیشگیری از نسل کشی و کمیته مشورتی دبیرکل در امور پیشگیری از نسل کشی تأسیس شده تا نشانه های نسل کشی شناسایی و پس از تجزیه و تحلیل، اقدامات مقتضی در این مورد انجام شود. رویکرد پیشگیرانه امر ضروری برای مبارزه با نسل کشی است، اما کافی نیست. با توجه به عزم جدی برای مجازات نسل کشی و لزوم تعقیب موثر مرتکبین آن، ضرورت دارد رفتارهای مجرمانه تعریف، مجازات ها و مسوولیت ها مشخص و برای انجام این ماموریت، نهادهای عدالت کیفی و ساز و کارهای لازم برای اجرای عدالت در مورد مرتکبان و قربانیان فراهم شود و سازمان در همه فرایندهای سیاست جنایی مبارزه با نسل کشی یعنی تدوین و اجرای آن، هر چه گسترده تر بازیگران جامعه بین المللی به ویژه سازمان های بین المللی و دولتها بسیج و هماهنگ شوند و در طراحی، تدوین، پذیرش و اجرای جنبه های مختلف سیاست جنایی همکاری کنند. تنها در این صورت است که می توان سیاست سازمان ملل را سنجیده، کارآمد و منسجم دانست.

فهرست منابع

- فارسی

- اردبیلی، محمدعلی، محمد جعفر حبیب زاده و حسین فخر بناب، «نسل کشی و ضرورت جرم انگاری آن در حقوق ایران»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۰، شماره ۳، پائیز ۱۳۸۵.
- افتخار جهرمی، گودرز، «صلاحیت ملی دولت ها و منشور ملل متحد»، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۷-۱۶، پاییز ۱۳۷۴ تا بهار ۱۳۷۵.
- آمارو، سان خوزه جیل، "مسئولیت بین المللی دولتها در قبال نقض حقوق بشر"، ترجمه ابراهیم بیگ زاده، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۰-۲۹، بهار-تابستان ۱۳۷۹، ص ۲۵۹.

- برزنونی، محمد علی، «اسلام، اصالت جنگ یا اصالت صلح»، مجله حقوقی، دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۳۳، سال ۱۳۸۴.
- بهارک کشاورز، شهربانو، «مداخله و کمک های بشر دوستانه در شورش ها و جنگ های داخلی»، نشر کشاورز، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۰.
- بیگ زاده، ابراهیم، (۱۳۷۸)، «بررسی جنایت نسل کشی و جنایات علیه بشریت در اساسنامه دیوان کیفری بین المللی»، در مجموعه مقالات "دیوان کیفری بین المللی و جمهوری اسلامی ایران" (به اهتمام اسحاق آل حبیب)، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران.
- پل تاورنیه، تغییر ساختار شورای امنیت سازمان ملل متحد: نقش قدرت های بزرگ، ترجمه ابراهیم بیگ زاده، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۷-۱۶، از پاییز ۷۴ تا بهار ۷۵.
- تقی زاده انصاری، مصطفی، (۱۳۸۰) حقوق سازمان های بین المللی، نشر قومس، تهران.
- توحیدی، احمدرضا، حق صلح و حق محیط زیست در پرتو حقوق همبستگی و حقوق بین الملل، «مجموعه مقالات همایش بین المللی حقوق بشر و گفت و گوی تمدن ها»، انتشارات دانشگاه مفید، ۱۳۸۰.
- رابرتسون، جفری، (۱۳۸۳) «جنایات علیه بشریت»، ترجمه گروه پژوهشی ترجمه دانشگاه علوم اسلامی رضوی (زیر نظر دکتر میر محمد صادقی)، چاپ اول، موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- زمانی، سید قاسم، «دیوان کیفری بین المللی و صدور قرار جلب «عمر حسن البشیر»، مجله پژوهش های حقوقی، موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی، شماره ۱۴، ۱۳۸۷.
- سیفی، سید جمال الدین، تحولات مفهوم حاکمیت دولت ها در پرتو اصل تعیین سرنوشت ملت ها، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۵، پاییز ۱۳۷۳ تا تابستان ۱۳۷۴، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی
- شریفیان، جمشید، (۱۳۸۰) راهبرد جمهوری اسلامی ایران در زمینه حقوق بشر در سازمان ملل، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، تهران.
- ضیائی بیگدلی، محمدرضا، (۱۳۸۷)، حقوق بین الملل عمومی، چاپ رهنما، چاپ ۳۱، تهران.

- کاسسه، آتونویو، «جامعه بین المللی و کشتار جمعی»، ترجمه محمد علی اردبیلی، **مجله تحقیقات حقوقی**، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۰، سال ۱۳۷۱.
- الکساندر ارکلش ویلی، «تاثیر قواعد آمره حقوق بین الملل بر تفسیر و اجرای قطعنامه های شورای امنیت»، ترجمه و تحقیق از سید قاسم زمانی، **مجله پژوهش های حقوقی**، موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، شماره ۷، سال ۱۳۸۴.
- گروه پژوهش موسسه حقوق بین الملل پارس، «قاعده منع توسل به زور در روابط بین الملل پس از بحران اخیر اوستیای جنوبی»، **مجله پژوهش های حقوقی**، شماره ۱۳، نیمسال اوّل ۱۳۸۷، ص ۱۶۴.
- گسن، ریموند، (۱۳۷۰) "**جرم شناسی کاربردی**"، ترجمه مهدی کی نیا، نشر مترجم، چاپخانه علامه طباطبایی، تهران.
- مقتدر، هوشنگ، «مداخله انسان دوستانه: مورد کوزوو»، **فصلنامه سیاست خارجی**، [ویژه اروپا(۱)]، سال ۱۳، ۱۳۷۸.
- ممتاز، جمشید و نجفی اسفاد، مرتضی، بررسی بحران کوزوو و حقوق بین الملل، **فصلنامه دیدگاه های حقوقی**، سال ۵، شماره ۱۸-۱۷، ۱۳۷۹.
- ممتاز، جمشید، «واگذاری اجرای اقدام های قهری شورای امنیت به سازمان های منطقه ای»، ترجمه مهرداد رضائیان، **فصلنامه سیاست خارجی**، [ویژه اروپا(۱)]، سال ۱۳.
- مهدویان، حسن، برپایی شورای حقوق بشر: گام نخست در اصلاح ساختار سازمان ملل متحد، **ماهنامه اطلاعات سیاسی- اقتصادی**، سال ۲۰، شماره ۷ و ۸، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۵.
- میر محمد صادقی، حسین، «ملاحظات در موضوع پیشگیری از وقوع جرم»، **مجله تحقیقات حقوقی**، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۶-۳۵، سال ۱۳۸۱.
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین، "**تقریرات درس سیاست جنایی**"، دوره دکترای حقوق کیفری و جرم شناسی، به کوشش خانم فاطمه قناد، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، نیم سال دوّم سال تحصیلی ۷۸-۷۹.
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین، "**سیاست جنایی سازمان ملل متحد**"، **مجله تحقیقات حقوقی**، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۸، تابستان ۷۵ تا زمستان ۷۵.
- وکیل، امیر ساعد، (۱۳۸۳)، "**حقوق بشر، صلح و امنیت بین المللی**"، انتشارات مجد، تهران.

- هاشمی، سید محمد، «حمایت ها و تضمینات حقوق بشر در حقوق داخلی و نظام بین المللی»،
مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۸، ۱۳۸۲.

– لاتین

- African Union Convention for the protection and assistance of internally displaced persons in Africa (Kampala Convention); Address by Mazimhaka Patrick , the Deputy Chairperson, the Commission of the African Union,in The Stockholm International Forum: Preventing Genocide, 26 January 2004 available at <http://www.dccam.org/Projects/Affinity/SIF/DATA/2004/page1497.html>
- Bruce Cronin, "The Tension Between Sovereignty and Intervention in the Prevention of Genocide ",in **Human Rights Review**, July 2007
- Christopher McCrudden, "Human Dignity and Judicial Interpretation of Human Rights", in the **European Journal of International Law**, Vol.19, No. 4, 2008, p. 656.
- David Marcus, "Famine crimes in international law", in **The American Journal of International Law**, Vol.97, 2003.
- Frederic L. Kirgis, " International Law Aspects of the 2005 World Summit Outcome", available at <http://www.asil.org/insights/2005/10/insights051004.html>,visited on 2009-07-29.
- Kenneth J. Campbell, " The Role of Individual States in Addressing of Cases of Genocide", in **Human Rights Review**, July- September 2004

- MAI-LINH K. HONG, A genocide by any other name: Language, Law, and the Response to Darfur, **VIRGINIA JOURNAL OF INTERNATIONAL LAW**, Vol. 49:1, 2008
- Matthew Krain," INTERNATIONAL AND THE SEVERITY OF GENOCIDES AND POLITICIDES", in **International Studies Quarterly**, Volume 49, September 2005
- Matthew Lippman, genocide: the crime of the century.the jurisprudence of death at the down of the new millennium, **Houston Journal of international law**, Vol.23:3, 2001, pp. 494-495.
- Patricia M. Wald, "The International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia Comes of Age: Some Observations on Day-To-Day Dilemmas of an International Court", in **Journal of Law & Policy**, vol.5, 2001
- Paul J. Magnarlla, "The Background and Causes of the Genocide in Rwanda", **Journal of International Criminal Justice**, No.3, 2005
- Philippe Kirsch," Applying the principles of Nuremberg in the international criminal law court" in **Washington University Global Studies Law**, vol. 6, 2007.
- Report of the United Nations high commissioner of human rights on the prevention of genocide, A/HRC/10/25, 2009.
- Samantha Power, A problem from hell: American and the age of genocide, **WASHINGTON UNIVERSITY GLOBAL STUDIES LAW REVIEW**, Vol.2
- Samuel Totten and Paul R. Bartrop, " The United Nations and Genocide: Prevention, Intervention and Prosecution", in **Human Rights Review**, July- September 2004.